

# حقیقت

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره چهارم - چهارشنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۹۵

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL. No.4. WED, 7<sup>th</sup> DEC. 2016

## ایتالیا به روایت استاد

■ گذری بر سینمای مستند ایتالیا به بهانه بزرگداشت مستند ساز بزرگ این سرزمین جیان فرانکورزی

3 CUT +



### دیدار بامادر قصه‌ها

گزارشی از روز سوم جشنواره که پذیرای مهمانان بیشمار از جمله مریم نشیبی بود

3

### راز موسیقی فیلم مستند

گفت و گو با لوریس چکناواریان درباره اصول ساخت موسیقی متن برای فیلم‌های مستند

8

### تلاقی خوش دومفهوم

کارگاه «واقعیت و خیال در فیلم مستند» با حضور شهاب عادل، اسما عیل‌بنی اردلان، احمدالستی و محمدرضا اصلانی

5

# سه شنبه پر هیاهو

حال و هوای پردیس چارسودر سومین روز دهمین جشنواره «سینما حقیقت»

## مهم ترین داستان گویای دنیا

۱ فیلمسازهای مستند، قصه گویایی هستند که با امور واقعی روبه رو شده اند. فیلم مستند، روایتی است که جهان بزرگ تری را در پس زمینه دارد. به نظر من این فیلمسازها مهم ترین داستان گویای دنیا هستند. این داستان ها چگونه باید ما را درگیر کنند؟ تمام فیلمسازهای مستند باید به این فکر کنند که چه کار کنند که اگر فیلمشان در تلویزیون پخش شود، مردم کانال را عوض نکنند. من همیشه به چه ها می گویم باید خیلی عرق بریزد و وقت بگذارد تا بتواند دو ساعت، یک ساعت یا حتی ۳۰ دقیقه از وقت ۵۰ هزار نفر را بخرد! پس اگر می خواهید عمر این آدم ها را بخرید، باید چیز ارزشمندتری به آن ها بدهید. جشنواره مهم است، اما همه چیز نیست. جشنواره برای دیده شدن فیلم و شناخته شدن فیلمساز است. من معتقدم اگر جشنواره هدف باشد، فاجعه است.

۲ به عنوان کسی که سال ها مستند را پیگیری می کنم و به آن علاقه مند، صادقانه می گویم جشنواره سینما حقیقت برای من جایی است که می توانم تولیدات یک یا دو سال کشورم را در آن ببینم. چون آدم گرفتاری ام و مدام درگیر پروژه ها و تحقیقات هستم، نمی توانم از اکران فیلم های دوستان بهره ببرم، به همین دلیل این جای بهترین فرصت است.

۳ سینمای مستند به امر واقع استناد می کند که از آن به عنوان Document نام می بریم. اما مهم این است که آیا این امر واقع که مقابل دوربین ما در جهان اجتماعی و تاریخی رخ می دهد به خودی خود ارزش فیلم شدن دارد؟ در این جا وارد بحثی می شویم که همه مستندسازان مطرح، به هر شیوه ای که کار می کنند، تلاش دارند به آن برسند و آن این است که «چه می گویم، چگونه روایت می کنم، دنبال چه هستم و می خواهم به چه برسم». در این فضا مستندساز بر اساس موضوعی که می خواهد کار کند، دنبال یک ایده مرکزی می گردد. این ایده شالوده همه آن چیزی است که در موضوع می بیند. ایده ایده یک سوال است که مستندساز را هدایت می کند و جواب های آن آرام آرام در میانه ها یا بدنه فیلم به عنوان احکام جزئی، کلیت را ثبت می کند. ما امروزه در میان حجم بسیاری از فیلم هایی هستیم که از اول، پرونده شان بسته شده یعنی قضاوت کرده، نتیجه هم گرفته و فقط می خواهد قضاوتش را تصویری کند. حالا این که به مخاطب اجازه بدهی خودش را در فیلم شریک کند و در انتها تصمیم بگیرد، چیز دیگری است. مساله کشف و شهود همیشه هست، به خصوص در شیوه مستند مشاهده گر. من در یک موقعیت قرار می گیرم، نمی دانم چه می شود و به کجا می رسم، اما شخصیت ها و موقعیت ها را انتخاب کرده ام و هدف و ایده اصلی را هم دارم. حالا مهم است که چه بگیرم، چگونه و از چه موضعی بگیرم، چگونه بچینم و جمع کنم.



روند صعودی آمار مهمانان در سومین روز جشنواره دهم هم ادامه داشت و مهم ترین نکته درباره حال و هوای پردیس چارسودر عصر سه شنبه هیاهوی بالای استقبال از اکران فیلم ها و برنامه های جنبی جشنواره بود. این استقبال به اندازه ای بود که برخی از منتقدان و اصحاب رسانه هم موفق به تماشای بعضی از فیلم های مهم روز نشدند! اصف های طویل اصلی ترین منظره تکرار شونده در روز سوم بود.

باشد، اما برای کسانی که تازه وارد این عرصه شده اند، نکات ارزشمندتری به نسبت بقیه دارد، ضمن این که راهکارهایی برای جذب سرمایه را به فیلمسازان جوان نشان می دهد.

### عصرانه های خلوت

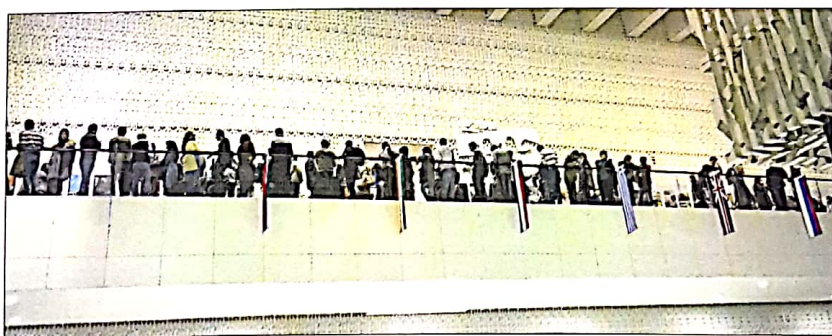
یکی از برنامه های جنبی جشنواره که انتظار می رفت با استقبال بیشتری از سوی مستندسازان مواجه شود، «عصرانه گفت و گو» بود که با وجود برنامه ریزی معاونت پژوهش مرکز گسترش و دعوت از معتبرترین چهره های حوزه مستند، چندان با استقبال مستندسازان مواجه نشد و بعد از روز اول برگزاری، در سومین روز جشنواره آن طور که شایسته بود، از حضور استادان ضابطی چهر می و الستی استقبال نشد. شاید بتوان تراکم فیلم های مهم در جدول اکران را دلیل این شرایط دانست و باید دید این عصرانه ها تا پایان جشنواره چقدر محل رجوع مستندسازان خواهد بود.

### رونمایی در عمل

وعده رونمایی از تازه ترین آثار منتشر شده توسط معاونت پژوهش های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی عصر دیروز عملیاتی شد و در نخستین نشست شاهد رونمایی از کتاب «مستند در عمل» نوشته جیم چاپمن با ترجمه حسین فراهانی بودیم. ارد عطاپور که در مقام منتقد در نشست رونمایی از این کتاب حاضر بود، با اشاره به تفاوت های سرمایه گذاری برای ساخت فیلم مستند در ایران با کشورهای اروپایی و همچنین غیر عملی بودن برخی راهکارهای ارائه شده در کتاب برای جذب سرمایه عنوان کرد: نویسنده کتاب از آن جایی که یک تهیه کننده است، از این دیدگاه به بسیاری از موضوعات پرداخته و مساله سرمایه گذاری را از زمان جرقه زدن ایده در ذهن کارگردان تا ساخت و پخش آن مدنظر قرار داده است. حسین فراهانی درباره این کتاب توضیح داد: «مستند در عمل» در ۶ فصل نوشته شده و می تواند برای همه کاربردی



مهررداد اسکویی مستندساز



## صدا، تصویر، کلیک

برنامه های اینترنتی سهم ویژه ای در پوشش رویدادهای مرتبط با دهمین جشنواره سینما حقیقت دارند

در اپلیکیشن ها یا سایت های اینترنتی هستند. برنامه هایی که حالا هر کدام به نوبه خود سهمی جدی در پوشش رسانه ای رویدادهای سینمایی پیدا کرده اند و در مواردی در قامت رقیب تلویزیون ظاهر می شوند. در میان سایت های اینترنتی هم «آپارات» حضور پررنگ تری در سینما حقیقت دارد. علاوه بر برنامه «آپاراتچی» که ویژه برنامه «سوز» را در این روزها از پردیس چارسود ضبط و پخش می کند، دوربین برنامه «پراترئساز» هم از روز سوم خودش را به جشنواره رساند تا سهمی در پوشش اینترنتی این رویداد داشته باشد.

دوربین های کنجکاو و جست و جوگر در فضای عمومی جشنواره و لایه لای مهمانان حاضر در پردیس چارسود، پدیده هایی آشنا هستند. دوربین های بزرگ و کوچکی که گاه گروه خبری رسانه ملی را نمایندگی می کنند و گاه در حد و اندازه ثبت تصویر برای آرشیوهای شخصی به کار گرفته می شوند. در این میان اما هستند دوربین هایی که هم کنجکاویشان ارتباطی با رسمیت رسانه ملی ندارد و هم به نظر نمی رسد سلیقه های شخصی و فردی آن ها را هدایت کند. این ها مربوط به ویژه برنامه های سینمایی تولیدی برای پخش

## حس ویژه یک دیدار

جوان مرزنشینی را تصور کنید که تنها عشق و علاقه‌اش در زندگی «رادیو» است. دلبستگی‌ای عجیب و ویژه که این جوان را واجد ویژگی‌های خاص برای تبدیل شدن به سوژه یک مستند کرد. صادق داوری فر این سوژه را کشف کرد و بر اساس آن مستند «آقای هر تاز» را ساخت و به جشنواره سینماحقیقت رساند. یکی از چهره‌های سرشناس و خاطره‌سازی که برای این مستند، داوری فر سراغ او رفت، مریم نشیبا صدای همیشه دوست‌داشتنی رادیو بود. نشیبا در روز سوم مهمان ویژه «سینماحقیقت» به بهانه رومایی از «آقای هر تاز» بود. اما اتفاق ویژه در حاشیه این حضور رقم خورد و آن مواجهه سوژه اصلی این مستند یعنی همان جوان «عشق رادیو» با صاحب این صدای ماندگار رادیویی بود.



## حضور ویژه آقای نادری



با آکران فیلم سینمایی «دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقای نادری» به کارگردانی مشترک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، رکورد استقبال از فیلم‌های مستند در روز سوم جشنواره دهم سینماحقیقت شکسته شد! بخشی از جمعیت بالای که برای تماشای این مستند در ساعت ۱۹:۴۵ در پردیس چارسو حاضر شده بودند، بعد از تجربه یک صف طولانی برای ورود به سالن، سرانجام با تکمیل ظرفیت نشسته و ایستاده سالن شماره سه، ناکام از تماشای این مستند پشت درها ماندند. این اولین مستند جشنواره امسال است که با این حجم از استقبال در نخستین نوبت آکران مواجه شده و حجم درخواست برای نمایش مجدد هم باعث شد با تصمیم مسئولان سانس ویژه آخر شب سالن شماره یک در روز سوم به این فیلم اختصاص پیدا کند. نکته فرامتنی جالب درباره نمایش این مستند حضور متفاوت شخصیت اصلی آن یعنی «آقای نادری» در پردیس چارسو بود که به دلیل هیبت متفاوت مورد استقبال اصحاب رسانه و عکاسان خبری قرار گرفت.

اتفاق روز

## بازار گرم می‌شود

حضور پررنگ چهره‌های بین‌المللی در میان مهمانان سومین روز از جشنواره سینماحقیقت کاملاً مشهود بود. مستندسازی که تازه به ایران رسیده بودند و با افزایش تعداد، حضورشان در روز سوم بیش از دو روز ابتدایی به چشم می‌آمد. طیفی از این فیلمسازان خارجی که جزو داوران جشنواره هستند، از روز ابتدایی در پردیس چارسو حاضر بودند، اما مسافران سومین روز غالباً مستندسازی بودند که یا فیلمی در یکی از بخش‌های جشنواره داشتند یا خود را آماده حضور در بازار بین‌المللی فیلم مستند می‌کردند. بازار جشنواره اما از امروز (چهارشنبه) کار خود را رسماً آغاز می‌کند و این احتمالاً اصلی‌ترین دلیل سیر صعودی تعداد مهمانان خارجی در کاخ جشنواره است. بنابر برنامه اعلام شده، بازار فیلم مستند جشنواره سینماحقیقت از ساعت ۱۵ امروز و با حضور نمایندگان از جشنواره‌های کپنهاگ (دانمارک)، بوسنی و هرزگووین، ویزبیون دورنل (سوئیس) و هفته منتقدان جشنواره ونیز (ایتالیا) آغاز خواهد شد و با حضور چهره‌های دیگری از سایر رویدادهای بین‌المللی در حوزه سینمای مستند تا روز جمعه ۱۹ آذرماه برقرار خواهد بود.

## دیدار در وقت اضافه



از حوالی ظهر در سومین روز جشنواره زمزمه حضور وزیر ارشاد در میان اهالی رسانه پیچید، اما خیلی زود مشخص شد، منظور از وزیر ارشاد نه سیدرضا صالحی‌امیری بلکه وزیر «سابق» ارشاد یعنی علی جنتی است که هنوز و بعد از خداحافظی از ساختمان بهارستان هم حضورش در محافل مختلف زیر ذره‌بین رسانه‌ها قرار دارد. این دیدار از جشن مستندسازان بعد از غروب آفتاب صورت گرفت و علی جنتی با تنظیم وقت قبلی برای تماشای مستند «صدای سکوت» با موضوع جانباختن دفاع مقدس خود را به پردیس چارسو رساند. حجت‌الله ابوبی در تماشای این مستند علی جنتی را همراهی و بعد از آن هم جنتی کاخ جشنواره را ترک کرد. همزمان با این حضور گروهی از نمایندگان مجلس در روز سوم خود را به جشن مستندسازان رساندند و به تماشای مستند «امپراطوری سنجاب‌ها» نشستند. حضور چهره‌های سیاسی و فرهنگی احتمالاً در روزهای آینده هم ادامه خواهد داشت و باید دید کدام فیلمساز می‌تواند در زمینه دعوت از این چهره‌ها موفق‌تر عمل کند.

خبر روز

## چهره‌ها

سیدمتر تازی آومینی  
بادرای

یکی از مستندهای پرتره جذاب در جشنواره امسال مستند «بخوان و نه» است که روایتی متفاوت از زندگی و زمانه سیدمتر تازی آومینی از نگاه محمدعلی شعبانی محسوب می‌شود. امروز ساعت ۲۱ در سالن یک شاهد آن باشید.

معین کریم‌الدینی  
پس از آتلان

آن‌ها که دو سال پیش با «آتلان» شگفت‌زده شدند، امروز می‌توانند شاهد رونمایی از فیلم دیگری از کارگردان جوان آن باشند! کریم‌الدینی امسال «وقتی ابرها پایین می‌آیند» را به جشنواره فرستاده است.

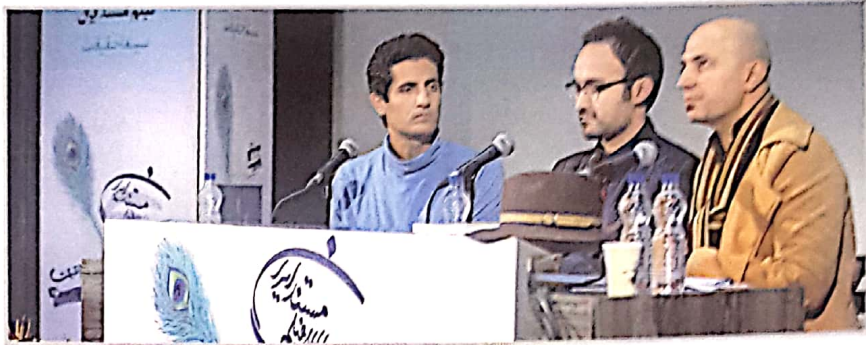
سیدمتر تازی آومینی  
بادرای

این آخرین نوبت آکران مستند تحسین شده «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» در جشنواره دهم است. امروز ساعت ۱۵:۳۰ در سالن شماره ۵ به تماشای روایت سیف‌الله صمدیان بنشینید.

## First Film: Living with Camera

In the second Criticism (Q & A) Session of 10th Cinema Verite Festival, three films were reviewed. Amir Pouria was the critic of the session who reviewed and criticized "Walnut Tree" which is about life of immigrants directed by Ammar Aziz. "Walnut Tree" is in fact the spiritual life of a person; a trip which is not very similar as other films also has a different ending. Second Film: Table without Host The second film was about a family conflict which was directed by Hadi Masoumdoust. He said that he never wanted to make a film that the audience feels the director was lost in it as a director. Events of the film were all something exactly experiences so I'm felling content of it. Third Film: Condemns of Twentieth Circle The third film was about children of work directed by Hesam Eslami.

مجری کارشناس شب دوم: محمد رضا مقدسیان  
منتقد شب دوم: امیر پوریا



## زندگے بادوربین

در دومین نشست «شب‌های نقد» در جشنواره سینما حقیقت سه فیلم مورد نقد و بررسی قرار گرفتند

**مهمین دایره بیستم**  
موضوع مستند: کودکان کار  
کارگردان: حسام اسلامی

**اسلامی:**  
تقریباً ۶ سال پیش به آن‌جی‌اوی حمایت از کودکان خیابانی رفتم و دوست دانتم مستندی درباره بچه‌های کار بسازم. هنگام مراحل تحقیق با بچه‌هایی آشنا شدم که خودشان در دوره‌ای کودکان کار بودند و حالا شرایط متفاوتی داشتند. مترصد موقعیتی بودم که به آن‌ها نزدیک شوم و این اتفاق با سرعت مایشین توسط آن‌ها در مقابل آن‌جی‌اوی پیش آمد. همه ما بچه‌های کار بسیاری را در خیابان‌ها دیده‌ایم، اما این گروه برای خود من جذابیت ویژه‌ای داشتند. سرعت تحولات زندگی آن‌ها بسیار بالا بود و فکر کردم این مناسب ساخت یک مستند است.

**۲** شکل گرفتن ساختمان فیلم، یک کار کاملاً گروهی به همراهی نویسندگان و تدوینگر فیلم بود. واقعا هم فرآیند دشواری بود. در خانه‌مان تمام فضای دیوارها ملو از بریده‌هایی بود که صحنه‌هایی از فیلم را نشان می‌داد که تلاش کردیم با رعایت اخلاق به شخصیت‌های مان نزدیک شویم.

**پوریا:**  
آن‌چه این دو فیلم را با همه بی‌شبهاتی که در موضوع دارند، به هم ربط می‌دهد، جذابیت مراحل تولید است. از کسب اعتماد شخصیت‌ها گرفته تا همه کارهای دیگری که برای تولید مستند انجام می‌دهیم. بلی وایلدر در جایی گفته بود: آن‌قدر نوشتن فیلمنامه برایم سرشار از جزئیات است، گاهی هنگام کارگردانی حوصله‌ام سر می‌رود. احساس می‌کنم سینمای مستندی از این جنس که خیلی هم پایان مشخصی ندارد و بخشی از روایت آن در طول تولید خلق می‌شود، این گونه نیست و فرآیند ساختش باید بسیار جذاب باشد. برخی اوقات سازندگان این گونه فیلم‌ها آن‌قدر از سوز و ذوق زده می‌شوند که در همان ابتدا همه داشته‌ها را خرج می‌کنند و هنگام تماشا، ادامه کار برای مان خسته‌کننده می‌شود. برخی آثار حتی در حد یک اسام باقی می‌مانند! اما مهم این است که جذابیت آینده را در طول کار پخش کنید و همه آن را یکجا خرج نکنید.

**۲** فیلم از این نظر که به فریدیت آدم‌ها نزدیک می‌شود، تعریف کلیشه‌ای از اخلاق و حریم را تغییر می‌دهد. اما در مواردی به‌خصوص در لحظه‌های احساسی شخصیت‌ها بیش از اندازه به آن‌ها نزدیک شده‌ای و گویی به کنار ایستادن و حفظ فاصله بسنده می‌کنی. شاید این نزدیک شدن ناخودآگاه باشد.

**خوان بی‌خان**  
موضوع مستند: روایتی از یک اختلاف خانوادگی  
کارگردان: هادی معصوم دوست

**معصوم دوست:**  
هیچ وقت نمی‌خواستم فیلم سمپوسوبی بگیرم که مخاطب احساس کند خودم به عنوان فیلمساز در فیلم گم شده‌ام. در آغاز می‌دانستم شروع فیلم کجاست و کم‌وبیش پایان آن هم برایم قابل حدس بود. این پیش‌آگاهی کمک می‌کرد در طول ساخت فیلم بدانم کجا هستم و چه می‌خواهم بگویم. سخت است که در مقام کارگردان هم بخواهی به شخصیت‌ها و واکنش‌ها نشان بدهی و هم مراقب باشی که آن‌ها احساس نکنند می‌خواهی در احساس آن‌ها دخالت کنی؛ این موارد ساخت فیلم را کمی دشوار می‌کند. اتفاقات جلوی دوربین از جنس این تجربه بود و خودم از حاصل آن راضی هستم.

**۲** کلا ساختن فیلم شخصی بسیار سخت است، به‌خصوص در جامعه‌ای مثل ما که حریم خصوصی بسیار گسترده‌ای دارد. این مورد باعث می‌شود وقتی مخاطب این فیلم را می‌بیند از آن خوشش می‌آید، اما قبل از هر چیزی می‌پرسد چگونه این کار را کردی؟

**۳** فیلم را تلویزیون می‌خواست نمایش دهد. از یکی از دایه‌های پرسیدم راضی به پخش هست؟ جواب داد ما اختلاف داریم، قتل که نکرده‌ایم، همه با هم اختلاف دارند. این یعنی تمام اعضای خانواده ما از این فرآیند تولید آگاه بودند. هر چند به‌شخصه تصمیم گرفتم به احترام اعتماد همین آدم‌ها فیلم از تلویزیون پخش نشود.

**پوریا:**  
نکته مهم درباره فیلم خوان بی‌خان، در وهله نخست آموزه غیرمستقیمی است که آقای معصوم دوست از سینما دریافت کرده‌اند. مفهومی که ناصر تقوایی بیش از سایرین آن را تلویزیون کرده، کار کردن با چیزی است که شناخت قلبی به آن داریم. چیزی که درباره این مستند برای من جالب است، واکنش‌های درون آن است.

**۲** در سینمای مستند با وجود تمام مپهوریت‌ها احتمال این که یک فیلم مورد توجه قرار بگیرد و آدم‌های درگیر در این عرصه را تحت‌تاثیر قرار دهد، بسیار بیشتر از سینمای حرفه‌ای و داستانی است. این فیلم هم خیلی با حوصله، البته نه به معنای کشدار بودن، از جزئیات استفاده کرده تا روایتی تاثیرگذار ارائه کند. برخی از این اجزا کار کردی شبیه استفاده از فلاش‌بک در سینمای داستانی دارد.

**فرحت گردو**  
موضوع مستند: زندگی مهاجران  
کارگردان: عمار عزیزی

**عزیزی:**  
**۱** مستند درخت گردو در واقع داستان سفر روحانی یک فرد است؛ سفری که خلاف جریان فیلم‌هایی که امروزه درباره پدافند گان ساخته می‌شود، آغاز شده و به سرانجامی متفاوت هم می‌رسد. این مرد مهاجر دوست دارد به زادگاهش برگردد و آرام‌بخش اصلی این فیلم برای من پدر بزرگ و مادر بزرگ خود بودند که در زمان دوپاره شدن هند به دنیا آمدند و همیشه با غم غرت از خانه و زندگی که داشتند، صحبت می‌کردند. عشق و علاقه برای بازگشت به خانه را همواره در کلام و رفتار این دو می‌دیدم و آن‌چه در این فیلم روایت کرده‌ام به‌منوعی انای دین به همان حس و حال است. مستند «درخت گردو» به‌منوعی روایت آدم‌هایی است که ناخواسته از خانه و دیار خود دور می‌مانند و مجبور می‌شوند به شرایط مهاجرت تن بدهند.

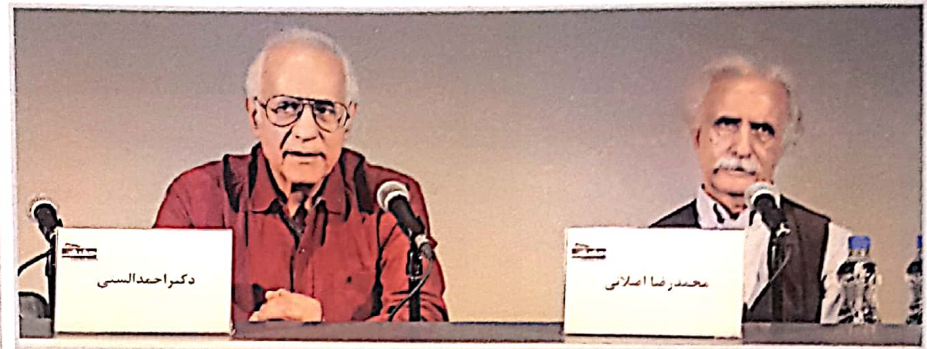
**۲** فیلم درباره پیرمردی است که مجبور می‌شود به خاطر جدیتی که قرار بود بین طالبان و ارتش پاکستان در می‌گیرد خاندانش را در یکی از شهرهای پاکستان رها کرده و در یک کمپ زندگی کند. او حالا خاطرات دور خاندانش را مرور می‌کند. پیرمرد سلفاً معامله کرده و حسامی خواهد بود به همان خانه‌اش برگردد. خاندانش در حال حاضر امنیت ندارد و آینده هم برایشان مبهم است. مستندی تلخ درباره مهاجرت اجباری گرچه در داخل مرزهای کشور اتفاق می‌افتد.

**۳** من برای نخستین بار است که در جشنواره سینما حقیقت حاضر می‌شوم. درباره فضای این جشنواره می‌توانم بگویم بعد از آن‌که فیلم با سئوال‌های منتقدان‌های از طرف همکاران سینماگر، فیلمسازان، دانشجویمان و مخاطبان ایرانی که فیلم را دیده بودند، روبرو و متوجه شدم تا چه حد آن‌ها باهوش هستند و زکوات دارند. مخاطبان ایرانی درک بالایی از فیلم مستند دارند و این برای من به‌عنوان یک فیلمساز بسیار ارزشمند بود.

**۴** نکته در این جشنواره برای من افتخار بزرگی بود و بعد از دیدن آثار باقی‌مانده که نمایش مستندم در این جشنواره داشت، علاقه‌مند و دوست دارم خیلی زود بار دیگر به کشور شما سفر کنم. تجربه سفر به ایران تجربه‌های متفاوتی برای من بود و حتماً با دست پر به کشور خودم بازمی‌گردم. فرصت مواجهه با مخاطبان ایرانی برایم ارزشمند بود و امیدوارم در آینده نزدیک این تجربه را برایم تکرار شود.

## Meeting of Two Nice Concepts

What Was Going On In "Reality and Fiction in Documentary Cinema" Workshop The first workshop of 4th day of the Cinema Verite Festival was "Reality and Fiction In Documentary Cinema" which was held yesterday morning December 6th. In this workshop while the master and the audience talked about the subject of it, some documentaries were screened related to the title of the workshop. In fact, the workshop is a synopsis of a conference with the same title which was held recently by researchers and famous Iranian documentarists and papers of masters who spoke in this workshop are supposed to be published in a book under the same title. Dr. Shahabodin Adel, Dr. Esmaeel Bani Ardalan, Dr. Ahmad Alasti and Dr. Mohammad Reza Aslani were the speakers of the workshop.



## تلاقه خوش دوم مفهوم

کارگاه «واقعیت و خیال در فیلم مستند» در سومین روز جشنواره با حضور کارشناسان و اساتید عرصه مستند برگزار شد

هانیه درویش

Haniedadarvish8@mail.com

عنوان کارگاه: واقعیت و خیال در فیلم مستند

مهمانان: دکتر شهاب الدین عادل، دکتر اسماعیل بنی اردلان، دکتر احمدالستی، محمدرضا اصلانی

نخستین کارگاه روز سوم جشنواره سینما حقیقت با عنوان واقعیت و خیال در فیلم مستند صبح دیروز (سه شنبه ۱۶ آذر) برگزار شد. در این کارگاه علاوه بر تبادل نظر درباره واقعیت و خیال در فیلم مستند، فیلم‌هایی مرتبط با این موضوع نمایش داده شد تا مفاهیم به خوبی الفاش شوند. این کارگاه در اصل خلاصه‌ای از همایشی با همین عنوان است که اخیراً توسط پژوهشگران و مستندسازان بنام سینمای مستند ایران برگزار شده است. اساتیدی که در این کارگاه سخنرانی کردند، مقالاتشان در این رابطه در کتابی با همین عنوان چاپ خواهد شد.

هر چیزی را حتی اگر در تاریخ ما قرار نگرفته باشد، بازسازی کنیم. اسما در نهایت به عقیده من این مونتاز و صداست که به صورت بسیار قدرتمندی می‌تواند در شکل دادن به واقعیت بیرونی فیلم کمک کند.

احمدالستی | چیزی که مهم است این که ما نسبت به واقعیت در اکثر فیلم‌های مستند به شدت انعطاف‌ناپذیر عمل می‌کنیم و گاهی فیلم‌ها تشکیل می‌شوند از واقعیت‌های یعنی صرفاً ولی در این سال‌ها رویکرد مستندسازان به نوعی تغییر کرده است. این تغییر در فیلم «خط باریک آبی» از ایرویل مورس به شکل زیبایی به تصویر درآمده است؛ همان جایی از فیلم که یک زندانی محکوم به حبس ابد در حال توضیح لحظه وقوع جرم است و فیلمساز شروع می‌کند به ساختن روایت‌هایی که فرد در حال تعریف آن‌هاست. در این جا فیلمساز با فرآغ بال سراغ ایده‌های ذهنی خود می‌رود و آن را چنان با واقعیت‌ها ترکیب می‌کند که فیلم به عنوان یک مستند و در عین حال خیالی و جذاب شناخته می‌شود و هر چقدر می‌گذرد فیلم‌های بیشتری از این ساختار می‌بینیم که تعریف قابل انعطافی را از واقعیت ارائه داده‌اند. فیلم‌هایی مثل «سکوت بزرگ» و «۲۰ هزار روز روی زمین» نمونه‌هایی از این دست فیلم‌ها هستند.

محمدرضا اصلانی | من صحبت‌هایم را با جمله‌ای از شکسپیر شروع می‌کنم. ما خود بیشتر از گوهر رویاهایمان هستیم تا گوهر واقعیت. در تاریخ بشری همواره واقعیت و خیال موضوع اساسی بوده و هست. خیال یکی از عناصر و نیروی وجودی بشر است که این نیرو می‌تواند تغییر کند و تغییر بدهد. من بیش از واقعیت به خیال می‌پردازم و اسم این کارم را ستایش خیال می‌گذارم. اما بهتر است سراغ مبحث کلاسیک خیال هم برویم؛ مبحثی که می‌خوانستم با پژوهش در آن به یک پرده ۱۲-۱۰ صفحه‌ای برسیه اما حالا کار به یک رساله تخصصی در این زمینه رسیده است. خیال اسمی است که از عربی به فارسی آمده، اما مترادف فارسی آن پندار است. خیال به معنای به تصور آوردن چیزی در ذهن یا صورت بستن است که حافظ آن را به کار می‌برد. خیال زربنای تعقل است، به همین دلیل با تصور، اندیشه، عقیده و خود عقل مترادف است. همچنین در نهایت در راستای خیال به مقوله زبان می‌رسیم که به نوعی پردازش خیال از طریق نظام سیستم است، یعنی زبان ما چیزی جز خیال مانیست.

دیجیتال امروز می‌آورند. امروزه نه فقط سینما حقیقت بلکه بستر فیلم‌ها دیگر دور که شده و ترکیبی از واقعیت و خیال را در خود جای داده‌اند. در مقاله‌ای که در حوزه ساختار در فیلم مستند ارائه کرده‌ام و امیدوارم به زودی چاپ شود، با تعاریفی از فرمالیست‌های روسیه شروع کردم، ولی این جا سخن را کوتاه می‌کنم و در حالت کلی می‌گویم تاثیر متقابل عناصر و اجزای درونی فیلم است که می‌تواند شکل بیرونی آن را سازمان دهد و فیلمساز با این عناصر است که می‌تواند گاهی برخی صحنه‌های فیلمش را قدرتمندتر از آن چیزی که در بیرون از فیلم وجود دارد، نشان دهد. فیلم‌هایی مثل «آلیور سون» یا «جان اف کندی» که بر اساس خاطرات یک وکیل ساخته شده از همین قبیل است. به طور کلی ما در چهار بخش، این ساختار دراماتیک را تعریف می‌کنیم. نخست این که فیلم مستند ممکن است یک موضوع انسانی نداشته باشد. همچنین یکی دیگر از اشکالی که به عنوان عناصر درونی فیلم مستند می‌تواند موثر باشد تحت عنوان داستان مطرح می‌شود. گروه دوم از عناصر درونی که عنصر بسیار مهمی است، تدوین یا مونتاز است، چون نحوه چیدمان نماها و پیوند فضا، زمان، ریتم و صدا بسیار مهم است، مانند فیلم کتابخانه ملی پاریس از آلن رنه. عنصر سوم ترکیب بندی تصویر و فیلمبرداری است. کنتراست رنگ و نور در نماهای ساکن و حرکتی بسیار تعیین کننده است. صدا عنصر چهارم و رابطه متقابل تصویر در خلق واقعیت سینمای مستند است. مثلاً در فیلم کتابخانه ملی شاهد کتاب‌هایی هستیم که حرف می‌زنند. در این جاست که می‌توانیم ثابت کنیم صدا به شکل قدرتمندی می‌تواند خلأ تصویر را پر کند. عنصر پنجم تکنولوژی سیماس و با توسعه امکانات دیجیتال می‌توانیم

اسماعیل بنی اردلان | نخستین مسأله‌ای که در سنت تفکر ایرانی‌ها وجود دارد این است که آن‌ها دانش معرفتی یا هستی‌شناسی را صرفاً از طریق هنر بیان کرده‌اند، یعنی اگر بخواهیم وارد بحث شناخت و معرفت ایرانی‌ها شویم، مثل یونانی‌ها نباید وارد فلسفه یونان شویم، همچنین ایرانی‌ها از ابتدای هستی و پیش از اسلام متوجه شدند برای این که طیف وسیعی را برای بحث معرفت با خود همراه کنند، باید اساس کار را روی قصه بگذارند. پس می‌شود هستی‌شناسی ایرانی را در یک خط یزدان شناخت معرفی کرد. در این بین دو بحث حقیقت یا هستی و ساختار به میان می‌آید. وارد بحث نخست نمی‌شویم، اما در رابطه با بحث دوم سه نکته حائز اهمیت است. نخستین نکته که در ساختار بسیار مهم است، حس وحدت و نکته دوم موقعیت است؛ منظور از موقعیت، ایجاد یک فضای نمایشی است. سومین از کان ساختار هم اهمیت‌داند به جزئیات است. بهتر است در یک کلام بگویم که در ادبیات مدرن خصوصاً رمان مدرن مهم‌ترین رکن این است که چگونه بتوان معنا در حال انجام آن است. در اصل فیلمساز بیننده را در تجربه خودش سهیم می‌کند و این از ابتدا تخصصی ایرانی‌ها بوده تا المان‌هایی را که قابل باور نیستند، با ترکیب مباحث مادی تجربه پذیر کنند. چیزی که در حکایت‌های خواجه عبدالله انصاری به کرار دیده می‌شود و هر سه از کان ساختاری قصه در آن وجود دارد.

شهاب‌الدین عادل | در سینما کسانی که فیلم می‌سازند واقعیت مطلوب خودشان را روی پرده یا سینمای



## مستند در خدمت بازنشستگان

دکتر محمود اسلامیان، مدیر عامل صندوق بازنشستگی کشوری از دلایل مستندسازی این صندوق و فیلم‌های بخش خرد و تجربه می‌گوید

لیلا علیپور

lepasoma@gmail.com

در دهمین جشنواره سینما حقیقت یک بخش جنبی با عنوان خرد و تجربه به سایر بخش‌های جشنواره اضافه شده است. این بخش که بنا به درخواست صندوق بازنشستگی کشوری و با همکاری مرکز راه‌اندازی شده است، اختصاص به فیلم‌های مستند در حوزه بازنشستگی دارد. دکتر محمود اسلامیان، مدیر عامل صندوق بازنشستگی کشوری حضور این صندوق را در جشنواره سینما حقیقت بخشی از برنامه فرهنگی در نظر گرفته شده در زمینه مسایل بازنشستگی می‌داند. تولید فیلم طی سال‌های آتی، اختصاص سانس‌های برخی سینماها به نمایش این فیلم‌ها و برگزاری یک جشنواره مستقل، از دیگر برنامه‌های صندوق برای بازنشستگی است. اسلامیان بر حفظ اثرگذاری بازنشستگی در جامعه تاکید دارد و راهکارهای فرهنگی را برای طرح مسایل بازنشستگی در کل جامعه موثر می‌داند. او می‌گوید: جشنواره حقیقت به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمای مستند کشور جایگاه ویژه‌ای دارد. در صورت تدوین یک نقشه راه می‌توانیم گام‌های موثری برداریم. با توجه به جایگاهی که مرکز گسترش و جشنواره سینما حقیقت دارد، بخش قابل توجهی از برنامه‌های ما را در صورت برخورداری از یک نقشه راه و ریل‌گذاری مناسب می‌توانیم جامعه عمل ببخشیم.

■ حضور صندوق بازنشستگی کشوری در جشنواره سینما حقیقت برای رسیدن به چه اهدافی بوده است؟

صندوق بازنشستگی کشوری به عنوان نهاد متولی مسایل اجتماعی و اقتصادی بازنشستگی با مسالمتی مواجه بود، به این صورت که تا به حال آن‌طور که ما انتظار داشتیم، جامعه مخاطب ما به‌طور خاص بازنشستگی و عام‌تر از آن مردم عادی با مسایل بازنشستگی آن‌طور که بایسته و شایسته است، آشنا نشده‌اند. در نتیجه ما بر اساس راهبردهایی که در این صندوق تعیین کردیم، به دنبال آن بودیم که از تمام ظرفیت‌ها برای بلندتر کردن صدای بازنشستگی که ما نماینده آنها هستیم، استفاده کنیم. این ظرفیت‌ها شامل فضای رسانه‌ای کشور، شکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه هنری کشور است. طبعاً زمانی که سراغ هنر می‌رویم، سینما جایگاهی خاص دارد و ما به دنبال این بودیم با توجه به مسایلی که بازنشستگی دارند و محدودیت‌هایی که ما به لحاظ اقتصادی و اجتماعی داریم و از آن‌جا که سینمای مستند می‌تواند در انعکاس مسایل بازنشستگی رسا و کمک‌کننده باشد، سراغ این نوع از سینما برویم. راهبرداصلی ما عمومی کردن مسایل بازنشستگی در جامعه و قشر بازنشستگی است. این موضوع در کنار موضوعی دیگر برای ما بسیار حائز اهمیت بود. در پیش‌نویس برنامه ششم توسعه، مشکلات صندوق‌های بازنشستگی -نه فقط صندوق ما- در کنار بحران آب و محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفته بود. در مراحل بعدی و در زمان ارایه لایحه برنامه ششم، این موضوع حذف شد. با توجه به اتفاقی که افتاد، به این نتیجه و راهبر رسیدیم که حل مسایل صندوق‌های بازنشستگی در گرو عمومی کردن آن است و برای عمومی کردن آن باید از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم. هنر و به‌خصوص سینمای مستند و داستانی، بخشی از راهبر ما برای بلندتر کردن صدای صندوق به عنوان نماینده

دنبال این بودیم یا توجه به مسایلی که بازنشستگی

دارند و

ممدودیت‌هایی

که ما به لحاظ

اقتصادی و

اجتماعی داریم

و از آن‌جا که

سینمای مستند

می‌تواند در

انعکاس مسایل

بازنشستگی رسا

و کمک‌کننده

باشد سراغ این

نوع از سینما

برویم

بعد از این

جشنواره از

تمام توان فود

استفاده می‌کنیم

تا سانس‌های

کم بیننده بعضی

از سینماها را در

رایزنی با اتمادیه

سینما داران

و همچنین

معاونت

سینمایی به

نمایش

فیلم‌های فود

اختصاص دهیم

بازنشستگی به منظور حل مسایل آنان در دهه‌ای است. ■ امسال با توجه به این که هنوز صندوق در امر تولید فیلم مستند وارد نشده است، چه فیلم‌هایی مورد داوری قرار گرفتند؟

ما در گام اولی که امسال برداشتیم، در تولیدات نقشی نداشتیم و از بین ۱۰ فیلم مرتبط به موضوع سالمندان سه فیلم را برگزیده‌ایم، اما در گام دوم در حال امضای تفاهنامه‌ای بین صندوق بازنشستگی کشوری و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که زیرمجموعه وزارت ارشاد است، برای حمایت از تولید و ساخت ۱۰ فیلم در جشنواره سینما حقیقت سال آینده هستیم. ما به صورت ۵۰-۵۰ با مرکز برای تقبل هزینه‌های ساخت این فیلم‌ها توافق کرده‌ایم. گام سوم ما این است که در آینده و در دولت بعدی یک جشنواره مختص حوزه بازنشستگی و سالمندان برگزار کنیم، تا مثل جشنواره‌های تخصصی دیگر که در کشور برگزار می‌شوند، جشنواره اختصاصی قدرتمندی در حوزه بازنشستگی و سالمندی داشته باشیم.

■ چه سر فصل‌هایی برای انتخاب فیلم‌های امسال تعریف کرده بودید؟

یکسری از مفاهیم به عنوان نیازهای خیلی جدی جامعه بازنشستگی ما است. بازنشستگی خیلی علاقه‌مند هستند که بازنشستگی مترادف با کارافتادگی تلقی نشود، یعنی جامعه این تصور را نداشته باشد که هر بازنشسته‌ای از کار افتاده است. مهم‌ترین نیازی که بازنشستگی دارند، نیاز به حضور در جامعه و دیده شدن است. مشارکت‌پذیری آن‌ها در جامعه بسیار حائز اهمیت است. جوامعی که از ما به لحاظ اجتماعی و اقتصادی پیشرفته‌تر هستند، در این زمینه تجربه‌های خیلی خوبی دارند که از بازنشستگی کارهای داوطلبانه استفاده می‌کنند و این اقدامات داوطلبانه بسیاری از گره‌های اقتصادی و اجتماعی آن جوامع را باز می‌کند. در نتیجه، در کنار این که ما می‌خواهیم نگرش جامعه را نسبت به بازنشستگی و سالمندان تغییر دهیم و از ظرفیت‌های آن‌ها به عنوان گنجینه‌ای از خرد و تجربه استفاده کنیم، اصلی‌ترین موضوعی است که مدنظر ما بود.

■ تعامل شما با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی چه کیفیتی داشت؟

از این تعامل و ارتباط ما راضی هستیم و امیدواریم ان‌شاءالله بتوانیم آن را ادامه دهیم. من فکر می‌کنم ظرفیت‌های بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد. جشنواره سینما حقیقت به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمای مستند کشور، جایگاه ویژه‌ای دارد. در صورت تدوین یک نقشه راه می‌توانیم گام‌های موثری برداریم. با توجه به جایگاهی که مرکز

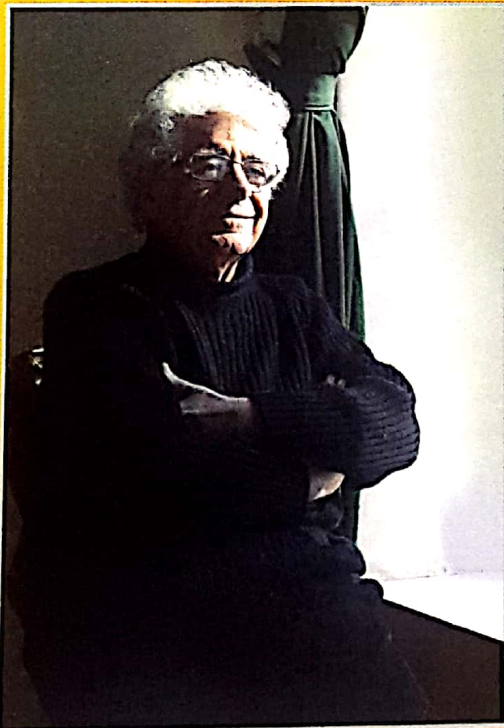
# آهنگسازی برای سینمای مستند، هنر فراموش شده

راز و رمز ساخت موسیقی برای آثار مستند در گفت و گویی خواندنی با لوریس چکناواریان، رهبر ارکستر و آهنگساز شهیر کشورمان که سابقه ای درخشان در ساخت موسیقی متن آثار مستند داشته است. او در گفت و گو با نشریه روزانه از علاقه اش به سینمای مستند و نقش موسیقی در این گونه سینمایی گفته است

حسین جمالی فرد  
djmalifard@yahoo.com

بخت خوش داشتیم یا بدشانس بودیم که همه کافه های مدرن و تین ایجری شهر در یک صبح سرد پاییزی و البته تعطیل رسمی کرکته های شان پایین بود تا محل قرارمان در یک جای دنج و خاطره انگیز باشد. هتل نادری نو در خیابان جمهوری با همان نادری سابق لوکیشن گفت و گو با استاد لوریس چکناواریان شد. کنج لابی هتل کهنسال پایتخت انگار سینه ای مالا مال از خاطرات تلخ و شیرینی داشت که در طول چند دهه عمر خود شاهد آن بوده است. خاطراتی از هنرمندان، سیاستمداران، بازرگانان، مردم عادی و عاشقان. این بار در آذر ۹۵ فرصتی دوباره فراهم شده بود تا میزبان مردی باشد اهل موسیقی که ویژگی شاخص رهبری ارکستر است، البته با تواضع و فروتنی خاص خود. تالار وحدت و رودکی در همین حوالی محل قرارمان، بارها شاهد هنرنمایی او در قامت رهبری ارکستر سمفونیک تهران بوده. چکناواریان بیش از ۱۷۵ اثر شامل سمفونی، اپرا، موسیقی مجلسی، کنسرتو برای پیانو، ویلن، گیتار، ویولن سل و پیپا، موسیقی باله، آثاری برای گروه کر، یک رکوئیم و یک اوراتوریو بوده و بیش از ۴۵ موسیقی فیلم ساخته است. از جمله آثار او می توان به اپرای پردیس و پرپسا، اپرای رستم و سهراب، باله سیمرغ، آهنگ نور و صدا، توکاتا و فوگ برای ارکستر زهی کنسرتو پیانو، سمفونی پرسپولیس و پوئم سمفونی کوروش اشاره کرد. چهار سال پیش زندگی و آثار لوریس چکناواریان در قالب مستندی با نام «۱۱۳ اکتبر ۱۹۳۷» ساخته بکناش آبتین در ششمین جشنواره سینما حقیقت به نمایش درآمد و همین اتفاق باعث شد گفت و گوی مان با جناب چکناواریان درباره مصادیق و ویژگی های سینمای مستند عینی تر باشد. گفت و گوی دوساعته ما را درباره موسیقی و سینمای مستند می خوانید:

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No. 4, Wed, 7<sup>th</sup> Dec. 2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

## Documentary at the Service of the Retired

Dr. Mahmoud Eslamian, the General Manager of Pension Fund of Iran talked about the reason of documenting of the Pension Fund also the films of Wisdom and Experience Section. In 10th Iran International Documentary Film Festival, a side section named Wisdom and Experience was added to the other sections of the festival which was suggested from Pension Fund of Iran and it was run with cooperation of this center. Films of this section are all related to retired subject. Dr. Mahmoud Eslamian, the General Manager of Pension Fund of Iran counts this section of the festival as one of the cultural programs of the festival about the problems of the retired. Cinema Verite Festival is the most important event in documentary cinema and it has a special situation in Iran. Moreover, alongside the special situation of DEFC, we can help to make our programs to be done.

گسترش و جشنواره سینما حقیقت دارد، بخش قابل توجهی از برنامه های مان را در صورت برخورداری از یک نقشه راه و ریل گذاری مناسب می توانیم جامعه عمل بپوشانیم.

فکری برای نمایش فیلم های این دوره و دوره های بعد که صندوق هم در ساخت آن ها دخیل است برای عامه مردم شده است؟  
ما در این زمینه چند ظرفیت داریم. طبق گفته دوستان در مرکز گسترش، مذاکرات خیلی خوبی با صداوسیما انجام شده که از طریق شبکه مستند این فیلم ها بخش شود. ما بعد از این جشنواره، از تمام توان خود استفاده می کنیم تا سانس های کم بیننده بعضی از سینماها را در رایزنی با اتحادیه سینماداران و همچنین معاونت سینمایی به نمایش فیلم های خود اختصاص دهیم. اتفاقا این سانس ها معمولا صبح است و مورد استقبال بازنشستگان قرار می گیرد. این امر هم با اختصاص یارانه از طرف ما و وزارت ارشاد محقق خواهد شد. همچنین در زمان برگزاری جشنواره سینما حقیقت نیز با هماهنگی های صورت گرفته از طریق کانون ها و نهاد های بازنشستگان قرار شده روزانه ۱۵۰ نفر از بازنشستگان به تماشای فیلم های جشنواره بنشینند. صندوق بازنشستگی کشوری امکاناتی را در طول ۱۰ سال گذشته با نام خانه امید فراهم آورده است. خانه امید باتوق فرهنگی بازنشستگان در شهرهای مختلف است. در ۲۸ استان، ۳۹ خانه امید داریم. یکی از برنامه های آتی ما بعد از جشنواره، نمایش این فیلم ها و فیلم های مربوط به حوزه بازنشستگی در این باتوق های فرهنگی است.

و برنامه دیگر هم هست که به آن اشاره نکردم باشد؟  
صندوق بازنشستگی حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار بازنشسته دارد. حدود ۷۰ درصد آن ها از سه دستگاه دولتی بازنشسته شده اند که این دستگاه ها به ترتیب آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، یعنی سه دستگاهی که عموماً فرهنگی هستند، به ویژه وزارتخانه های آموزش و پرورش و علوم، همچنین دانشگاه های وزارت درمان و آموزش پزشکی در حوزه صندوق بازنشستگی هستند. این وزارتخانه ها نقش بسیار زیادی در حیطه فرهنگی و آموزشی ما دارند. دانش آموزان و دانشجویان ما حاصل این نظام فرهنگی و آموزشی هستند. بنابر دلایل خیلی زیاد حقوق این بازنشستگان آن طور که باید و شاید با توجه به این تورم لجام گسیخته به ویژه در دولت قبل افزایش پیدا نکرده و این باعث بروز مشکلات اقتصادی و معیشتی بسیار زیادی برای بازنشستگان شده است.

الان تعامل با دولت خوب است؟

چشم و گوش دولت آقای روحانی برای دیدن و شنیدن مباحث مربوط به بازنشستگان باز است، اما حکایت دست ما کوتاه و خرما بر نخیل است! یعنی افت شدید قیمت نفت و از دست رفتن درآمدهای دولت باعث شده دست و پای دولت برای افزایش حقوق بازنشستگان بیش از آن چه الان افزایش داده، بسته باشد. در نتیجه ما به دلیل این محدودیت ها در صد هستیم بعد اجتماعی موضوع را پررنگ کنیم، احساس اثر بخشی و دیده شدن را برای بازنشستگان زیاد کنیم و با توجه به فرهنگی بودن بخش زیادی از بازنشسته ها، امیدواریم مشارکت بازنشستگان در این برنامه ها بیشتر باشد. همچنین امیدوارم مرکز گسترش و سایر نهاد های فرهنگی، ما را در این حرکت که بیشتر از جنبش فرهنگی و خیر جمعی در آن است، کمک کنند.



## Music Has an Important Role in Documentary

Loris Tjeknavorian talked with Daily Bulletin of Cinema-Verite about the importance of music in documentary as he said "Music is the dress of a documentary". Loris Tjeknavorian is the famous Iranian musician and conductor who has made the music for many documentaries. When he spoke about Tehran and its street and alleys, he talked enthusiastically about it; the city he loves it and fell in love in it for the first time. "I've made soundtrack of many documentaries like Hazineh Dariush, Khosrow Sinaiy, Manouchehr Tayyab and...around 18-20 documentaries before Islamic Revolutionary. Music is so important in life, nature is a kind of music, music is the color and movement in film, I guess music is the most important thing in life. Nothing can be shown itself without music. Even you can know the personality of someone as he sings. Documentary has no meaning without music but I think all of documentaries don't need to have music. I remember once Kiarostami wanted me to make a soundtrack for him and he insisted on it but I told him it doesn't need."

**فکر می کنید چرا درباره شما و هم نسلان شما و کلا درباره موسیقی ایران مستندهای کمی ساخته شده؟**  
 اینکه درباره موسیقی ایران و موسیقیدان های ایرانی مستند کمی ساخته شده یا مستند سازان تمایلی به ورود به این موضوعات ندارند بیشتر از هر چیز مسایل مادی تاثیر گذار است. این ها در جامعه پولساز نیست. کارگردان یک وظیفه فرهنگی و ملی دارد. او با کار و اثر خود باید فرهنگ یک کشور را بالا ببرد و هدفش تنها در آوردن پول نباشد. مناسبانه از زندگی آهنگسازان حتی شاعران و دیگر هنرمندان هم مستندهای کمی ساخته می شود در حالی که اینها جزو تاریخ ایران هستند. فکر می کنند اگر مستندی درباره یک آهنگساز یا یک نوع موسیقی ساخته شود بازار ندارد و مردم نمی بینند. اینجوری می شود که فرهنگ و کیفیت به خاطر بازار از بین می رود. بسیار افسوس می خورم که درباره ارکستر سمفونیک ها، ابراهام، یا بزرگان موسیقی مثل مرتضی حنانه، خاجاطوریان، یکتا اصالتیان مستندهای خوبی ساخته نشده است.

**و مستندهایی که درباره خودتان ساخته شده، چطور بوده؟**  
 از مستندهایی که درباره من ساخته شده راضی نیستم. کارگردان ها دست شان باز نیست. پول کمی در گردش است و طبعاً نمی توانند بهترین ها را جمع کنند. از طرفی وقت کافی برای تحقیق و پژوهش خبر نمی گذارند. حتی در مصاحبه های مطبوعاتی هم از برخی خبر نگاران گله دارم که بدون تحقیق یا حتی شنیدن یکی از کارهایم به سراغ من می آیند. همه می خواهند چیزهایی را که تکراری است و همه می دانند مثل رزومه، تاریخ تولد و غیره را به مخاطب عرضه کنند. حتی در رادیو و تلویزیون هم فقط می خواهند برنامه ای ضبط کنند و وقت را بپر کنند. زندگی روزمره دیگر برای مخاطب مهم نیست، بلکه کار من و امثال من مهم است. آثار من برای رستم و سپهراب، رستم و اسفندیار یا سمفونی ها مهم تر از این است که مثلاً من با دو چرخه به محل کار می روم یا مترو ادر نتیجه مستندهایی که درباره من ساخته شده برداشتی از زندگی روزمره من بوده در حالی که قدرت یک مستند ساز در این است که مخاطب را با یک چهره آشنا کند. شناساندن چهره هایی

مستندی است که اشتباهات را هم نشان دهد تا مسیر صحیح هم پیدا شود.  
**چرا دیگر کارگردان های هم نسل شما به سراغ ساخت مستند نمی آیند؟**  
 خودت فکر می کنی علتش چیست؟ بله کارگردان های بزرگ و مشهور به سراغ مستند نمی آیند. چرا؟ چون پولی در کار نیست و تماشاگری وجود ندارد. مثلاً همین خسرو سینایی اگر قرار باشد از دهنوی ها و کامکارها مستند بسازد باید جایی برای نمایش آن و مخاطبی برای دیدن آن وجود داشته باشد. که خب مناسبانه نیست. بگذارید نکته ای را بگویم. هنر از دو جهت ضربه خورده است. یکی سانسور و یکی پول. سانسور حکایت پرزده ای است که به او اجازه نمی دهیم از شاخه ای به شاخه دیگر ببرد. خب اینکه دیگر اسمش پرزده نیست از یک طرف هم فرهنگ پول می خواهد. فرهنگ هم خرج دارد. مثل اتوموبیلی که بنزین می خواهد و اگر بنزین نباشد حرکت نمی کند. جالب است بدانید که اسپانسر به معنای واقعی هم در ایران نداریم اسپانسر یعنی کسی که کمک می کند تا اثری ساخته شود یا کتابی چاپ شود و... اما حق دخالت در تولید اثر اینها قائل هنر هستند.  
**به نظر خودتان دلیل آن چیست؟**  
 هنر هم مثل خیلی چیزهای دیگر یک بار مصرف شده است. هدف هنر فقط امروز است و دنبال جاودانگی نیست همین موسیقی را برایتان مثال می زنم. دیگر به موسیقی کلاسیک اهمیت نمی دهند در حالی که این نوع موسیقی ماندگار است. در عوض موسیقی پاپ روای پیدا کرده است. برای تولید یک اثر کلاسیک یک سال انرژی و زمان مصرف می شود اما پاپ با یک روزه می سازند. صدا را بالاتر می برند و آلبوم امروزی بیرون می دهند. می بینید که هدف ماندگاری نیست بلکه هدف بازار و سود اقتصادی است. هنر از عشق می آید. عشق مهمترین چیز در زندگی است. عاشق نباشی حرفی برای



### شما یک روزمه پرپار در ساخت موسیقی فیلم خصوصا فیلم مستند دارید. موسیقی در مستند سازی چقدر نقش دارد؟

بعد از پایان درس که از آکادمی وین به ایران بازگشتم در اداره فرهنگ مشغول شدم. موسیقی بسیاری از مستندها را من می ساختم. کارهای هزیر داریوش خسرو سینایی، منوچهر طبیب و... موسیقی هایش را من ساختم. فکر می کنم ۱۸ تا ۲۰ مستند بود. هیچ چیز بدون موسیقی خود را نشان نمی دهد. حتی شخصیت یک نفر با آواز خواندنش آشکار می شود. به همین ترتیب فیلم مستند نیز بدون موسیقی معنا ندارد. اما خوب لزوما همه مستندها احتیاجی به ساخت موسیقی ندارند. یادم هست یک بار مرحوم کیارستمی برای یکی از فیلم هایش می خواست که من موسیقی بسازم. یک فیلمی ساخته بود که نامش خاطر من مانده. خیلی هم اصرار داشت. اما به او گفتم این فیلم موسیقی نمی خواهد. ابتدا ناراحت شد اما بعدها چندین بار اشاره کرد و بارها هم گفت که لوریس درست می گفت آن فیلم موسیقی لازم نداشت. در بعضی مستندها موسیقی حرف اصلی را می زند و مکمل کار است. حسن درونی فیلمی را بیان می کند. مستند درباره جنگ و زندگی و امثال آن بدون موسیقی امکان پذیر نیست. و موسیقی نقش مهمی را بازی می کند.

**خودتان چقدر به ساخت موسیقی برای فیلم مستند علاقه دارید؟**

خودم خیلی دوست دارم برای مستندها موسیقی بسازم. موسیقی یک کمپوزسیون (ترکیب بندی) است. شخصیت فیلم مستند به شکل می رود و برخورد موسیقی و تصویر، مستند را جذاب می کند. البته علاوه بر خدایت باید حرفی هم برای گفتن داشته باشی. این جور موسیقی ها برای مستند خیلی اهمیت دارد. موسیقی مثل لباس برای فیلم مستند است.

### باین حال شما تمایل کمی از سوی مستند سازها برای ساخت موسیقی از نینال وجود دارد؟

مستند بسنگی به سلیقه و فرهنگ دارد. امروز مردم به فرهنگ توجه نمی کنند. آلمان ها ضرب المثل جالبی دارند: «می گویند: من پولدار نیستم که جنس ارزان بخرم. چیزی می خرم که گران اما ماندگار باشد.» امروز دیگر کسی به دنبال کار ماندگار نیست. به جای کار، خودشان را جدی می گیرند. همه چیز عوض شده. اقتصاد دنیا روی یک بار مصرف می چرخد. حتی موسیقی که لباس فیلم است، یک بار مصرف شده. با اینکه موسیقی کلاسیک ماندگار است به آن اهمیت نمی دهند. در عوض موسیقی پاپ رواج پیدا کرده که یک بار مصرف است. به نظر من اگر یک فیلم مستند می خواهد ارزش و مخاطب بین المللی و فرهنگی داشته باشد باید سطح کار آن هم بالا باشد. هر هنرمندی باید تصمیم بگیرد. من تصمیم گرفتم که نان فردا را بخورم. آنا من پس از مرگ هم ماندگار باشد. مثل اشعار کلاسیک. هنرمند دیگری ممکن است فقط بخواد امروز خوب زندگی کند و به فکر فردا نباشد. بالطبع با این نگاه وقت هم نمی گذار تا یک اثر خوب تولید کند.

**یکی دو سالی است که جایزه بهترین موسیقی فیلم مستند هم به جواز جشنواره سینما حقیقت اضافه شده. این جایزه ها و تقدیرها چقدر در ترغیب مستندسازان برای ساخت موسیقی در فیلم هایشان موثر است؟**

جایزه بهترین موسیقی در جشنواره فیلم مستند اتفاق خوبی است و نشانه توجه به آن است. جایزه ها باعث می شود که برخی از مستندسازان، سازندگان موسیقی را جدی بگیرند و هزینه بیشتری کنند و از آهنگساز حرفه ای استفاده کنند. وقتی جایزه می دهیم خب مجبور می شوند برای یک جایزه هم که شده تلاش کنند. بهترین موسیقی را داشته باشند.

### مستندسازی خدمت به هنرمند نیست، بلکه خدمت به فرهنگ است

**مستندسازی خدمت به هنرمند نیست، بلکه خدمت به فرهنگ است**

مستندسازی خدمت به هنرمند نیست بلکه خدمت به فرهنگ است. آن چیزی که مردم تحت تاثیر قرار می گیرند و به آن افتخار می کنند فرهنگ است. باید جامعه را فرهنگی کرد. این کار هم با نشان دادن فرهنگ خوب به مردم امکان پذیر است تا فرهنگ جامعه نیز رشد کند.

**به مسایل مادی اشاره کردید. انگار همه مشکلات و کم و کاستی ها از بود و نبود پول است؟**

ببینید آهنگسازی که به جایگاه موسیقی توجه می کند و ارزش آن را جدی می گیرد، کارش هم پر ارزش می شود. مشکل اینجاست که موسیقی خوب هزینه دارد. خب وقتی پول نباشد یا هزینه نکنند کار خوبی هم تولید نمی شود. موسیقی فیلم به مردم بندی می شود. برای یک موزیک و موسیقی درجه یک باید یک آهنگ درجه یک هم نوشته شود. ارکستر باید بیایند. اگر فیلم خوب می خواهیم باید موسیقی خوب و آهنگساز خوب هم داشته باشیم. مثل ساخت یک خانه. برای ساخت یک خانه احتیاج به یک معمار خیره هست تا خانه ای محکم و مقاوم و البته زیبا ساخته شود. متأسفانه موسیقی امروز مثل فست فودها شده. می خواهند با قیمت کم و هزینه اندک موسیقی فیلم بسازند که امکان پذیر نیست. بجای ارکستر و سمفونی از موسیقی پاپ و سنتی ساز استفاده می کنند که نتیجه جالبی از کار در نمی آید. سطح موسیقی پایین آمده است و سازندگان فقط به دنبال مدام هستند.

**گفتید که از مستندسازی که درباره لوریس ساخته شده راضی نیستید. اگر کارگردان مستند خودتان بودید، چگونه می ساختید؟**

اگر قرار بود کارگردان مستند خودم باشد بیشتر تمرکز را بر روی معرفی آثار و کارهایم می گذاشتم. در مستند کارم راه مردم معرفی می کردم. ببینید اگر ده اثر خود مرا مردم بشناسند این آثار دست به دست و سینه به سینه منتقل شود. برای من کافی است. الان اگر دوباره برای ساخت مستند به سراغم بیایند دیگر قبول نمی کنم. قبل از هر چیزی باید ببینم کارگردان چه برداشتی می خواهد. از من داشته باشد. باید در باره من و کار من مطالعه داشته باشد. گاهی هنرمند درباره خودش اشتباه می کند و فیلم مستندی می تواند او را بخودش بیشتر آشنا کند. مستند خوب

### عشق معنا ندارد. هنر یعنی درون انسان. بعضی جلوه ای از درون انسان. خدا مظهر عشق است و آن را نشان بندگان تقسیم کرده است. اما این روزها همه به دنبال این هستند در مقابل چیزی که می دهند چیزی بگیرند. بدون آن که عشقی به کار داشته باشند.

**عشق معنا ندارد. هنر یعنی درون انسان. بعضی جلوه ای از درون انسان. خدا مظهر عشق است و آن را نشان بندگان تقسیم کرده است. اما این روزها همه به دنبال این هستند در مقابل چیزی که می دهند چیزی بگیرند. بدون آن که عشقی به کار داشته باشند.**

**نمی شود با ششما صحبت کرد و از راز دلبستگی تان به ایران بپرسیم.**

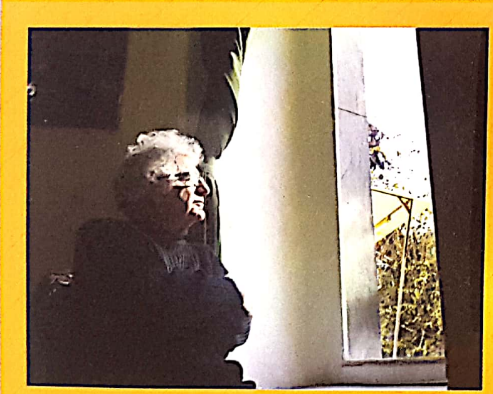
ایران برای من کامل ترین انواع موسیقی در جهان است. چون در آن علاوه بر ساز، صدا، داستان، حرکت، سن و نیز به چشم می خورد. اما در ایران صدای زن را نمی توان از ایران به کار برد. که این مساله موجب می شود ایران را که غالبا با تم های عاشقانه توأم است، دچار نقص شود. البته در برخی موارد به گونه ای بوده که ایرا تنها به وسیله خوانندگان مرد خوانده شده اند و نمونه آن در تمزیه یا کلیساهای کاتولیک وجود دارد. با این تفاسیر به نظر می رسد ایران نیازمند رشد بیشتری است. من تا امروز ایراها را بسیاری را بر گرفته از متون کلاسیک ایران مثل «رستم و سهراب»، «ضحاک» و... نوشته ام و امیدوارم ایرا بیشتر مورد حمایت واقع شود. فارغ از این ها، یکی دیگر از مشکلاتی که بر سر راه ایرا در ایران وجود دارد این است که ما از داشتن ارکستر گروه کر به آن شکلی که باید محروم هستیم و در این زمینه با یک کمبود مواجهیم. نداشتن بودجه نیز از دیگر مسایلی است که اجراهای ایرایی را با بحران مواجه می کند. امیدوارم همه این نواقص در آینده نزدیک مرتفع شود و زیر سایه امکاناتی که به آن اشاره کردم، همه شاهد کارهای ادبی که از ظرفیت های بالایی برخوردار هستند نیز در قالب ایرا به اجرا دربیانند. متأسفانه مشکلی که ما در حال حاضر با آن روبه رو هستیم این است که نوازندگان ارکسترها غالبا در قبال اجراهایی که انجام می دهند، دستمزد پائینی دریافت می کنند و ناچارند برای تأمین معاش خود در چند ارکستر فعالیت کنند. در نتیجه نمی توانند روی یک کار در طول یک سال متمرکز باشند و این به بیکره کاری که می خواهد اجرا شود، ضربه می زند. اگر چه در ایران نوازندگان جوان و بااستعدادی داریم که اگر به حقوق شان توجه شود، می توان از ظرفیت های آن ها در بلندمدت، در ارکسترها استفاده کرد.

## اگر مستند ساز بودم...

اگر قرار بود فیلم مستند بسازم بدون شک دنبال سوزه های فرهنگی می رفتم. باید به فرهنگ غنی و چند هزار ساله خود توجه کنیم تا از بین نرود. درست مثل میراث و تراث های با داورده ای که اگر توسط وراث به دست سستی استفاده نشود، خیلی زود از بین می رود. راه اشاعه فرهنگ هم تولید و نمایش مستندها در تلویزیون، مدرسه و... است. مستند یعنی گزارش وضع جامعه، مخاطب باید با آدم های بزرگ، آدم های زنده، بزرگان شعر و ادب و هنر آشنا بشود. فر دوسی چطور ماندگار شد، چون سینه به سینه و نسل به نسل آمده و به ما رسیده است. امروز از تیراژ هزار جلدی شاهنامه خوشحال می شوم. اگر «انفر شاهنامه» را بخوانند باید خوشحال باشیم. متأسفانه در دوران فرهنگی زندگی نمی کنیم. امروز دوران مادیات و پول است. ملت بدون فرهنگ، یک ملت بی ارزش است. این وسط سینمایی مستندی تواند به فرهنگ کمک کند. فرهنگ سازی از راه آشنایی با بزرگان یک کشور است. همین امروز اگر گوته، باخ و... راز کشورهای اروپایی بگیریم، دیگر هیچ چیزی نخواهند داشت.

## روایت یک زندگی

مادرم در جریان قتل عام ارمنستان به ایران آمد، زیرا آن جا دو میلیون نفر قتل عام شده بودند و پدرم هم از زندان های استالین فرار کرده بود. این در حالی بود که پدرم زخم ریس بهاری بر وجود بود. پدرم پس از فرار کردن به ایران آمد و در راه آهن با مادرم آشنا شد. آن ها عاشق همدیگر بودند، اما وقتی موفق به ازدواج نشدند، تصمیم گرفتند شبانه با هم فرار کنند. در حال فرار هر دو آن ها زندانی شدند. اما وقتی دیدند که این دونفر تاجه حد عاشق هم هستند، گفتند زندانی بودن آن ها فایده ای ندارد. این طور ساز که خوب باید، من متولد شدم. من از دوسالگی به تهران آمدم و لاله زار، جمهوری و نادری در محله خودم می دانم. از این محل جای دیگری نمی روم؛ کشور من همین محله است. تمام کوچه پس کوچه ها، آدم ها و ساختمان ها را خوب می شناسم و همین جا راحتم. گاهی یک سال کامل در ایران هستم. گاهی شش تا هشت ماه در این جا می مانم. اگر قصد آهنگسازی داشته باشم، در ایران می مانم. چون راحت تر هستم و برای آهنگسازی با یاد در فرهنگ کشور خودم باشم.



■ نام فیلم: «دست خورشید»  
 ■ کارگردان: محمدجعفر باقری نیا  
 ■ مدت زمان: ۲۶ دقیقه  
 ■ درباره فیلم: «دست خورشید» داستانی پیرمردی ۷۵ ساله اهل روستای سده از توابع شهرستان خنج در استان فارس است که به دلیل ایله نابینا شده اما از کار نيفتاده و عمر خود را با سنگ تراشی و تولید صنایع دستی می گذراند. این پیرمرد بسیار پرنرزی است و علاوه بر سنگ تراشی علم تعمیر خواب می داند.



### دستانی که در تاریکی سنگ می تراشند باقری نیا از مستند «دست خورشید» می گوید

قرار بود در موسسه روایت فتح مجموعه فیلمی با نام «قیام الله» ساخته شود، به همین منظور تعدادی از کارگردانان از طریق بنیاد جمع شدند و کار را شروع کردند. مدیران به دنبال فیلم هایی پیرامون اقتصاد مقاومتی بودند منتهی تاکید مدیران این بود که این پیام به صورت شعاری در فیلم مطرح نشده باشد و در بطن فیلم بیان شود. من ساخت مستندی درباره زندگی پیرمردی ۷۵ ساله در روستای سده از توابع شهرستان خنج را پیشنهاد دادم که به دلیل ایله نابینا شده است و عمر خود را با سنگ تراشی و تولید صنایع دستی می گذراند. این سوژه مورد پذیرش قرار گرفت، البته زاویه ای از زندگی او را که بخشی از درآمد خود را از راه تعمیر خواب تامین می کرد، به نمایش نگذاشتم. معمولا راضی کردن نابینایان برای فیلمبرداری دشوار است و من پس از دو بار شکست در فیلمبرداری از سوژه ای نابینا، سرانجام موفق به ساخت مستند از این پیرمرد شدم.

خوشبختانه این فرد کاملا همراه بود و روشن دلی اش به ما بسیار کمک کرد. او معتقد بود که همواره از راه حلال نان کسب کرده، به همین دلیل به راحتی این نسان را می خورد. می گفت کسانی که مدام قبل از غذا بسم الله می گویند، از راه غیر حلال درآمد کسب کرده اند و به همین دلیل می ترسند. حرف های جالب و تاثیر گذار در کلام او بسیار هست که در «دست خورشید» جانمایی شده اند.

پیش از جشنواره فیلم را برای عده ای نمایش دادم؛ خوشبختانه زمانی که آن من را دیدند، می گفتند که ما نابینا هستیم و این پیرمرد بیناست این زبیرترین پیامی بود که من را تشنه کارهای بیشتر در این باره کرد. به همین دلیل در حال ساخت مستندی با نام «دست و پا باز» هستم که در آن زنی با یک پا و یک دست قالی می بافت فکر می کنم چنین سوژه هایی می تواند ما را به گذشته ببرد و به یاد بیاوریم که ۷۰ سال قبل چطور فعالیت می کردیم و از اطراف بهره می جستیم.

خرد و تجربه

### درباره فیلم

■ نام فیلم: مردان ارباب جمشید  
 ■ کارگردان: پگاه آهنگرانی و درنا مدنی  
 ■ تهیه کننده: امیر سیدزاده  
 ■ زمان: ۴۲ دقیقه  
 ■ مستند «مردان ارباب جمشید» مضمونی اجتماعی دارد و درباره سرگذشت هنرورهای سینماست که سال ها در حوزه سینما حضور داشتند و به فعالیت پرداختند و حالا خودشان دست به تولید فیلم زده اند.



### درباره کارگردان

■ نام کارگردان: پگاه آهنگرانی  
 ■ مهم ترین آثار:  
 کارگردانی مستندهای تماشاخانه، محاکات غزاله علیزاده، ده نمکی ها  
 ■ مهمترین جوایز:  
 برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن برای فیلم «در بند» از جشنواره سی و یکم فجر



# هنگام ساخت مستند حس بهتری دارم

روایت پگاه آهنگرانی از «مردان ارباب جمشید»؛ با این بازیگر و کارگردان درباره فیلم جدیدش و علاقه اش به مستندسازی گفت و گو کرده ایم

سمانه فراهانی  
 samafarahani64@gmail.com

در راهروهای تئاتر شهر که قدم می زد با خود فکر کرد این سالن چه سوژه جذابی برای ساخت مستند است. بعد تر اش هایی از غزاله علیزاده به دستش رسید و تبدیل به مستندش کرد. اما برای بار سوم این شور و اشتیاق مردم برای تماشای «آخراچی های ۲» بود که پگاه آهنگرانی را برای ساخت مستند وسوسه کرد. «مردان ارباب جمشید» تازه ترین ساخته او است که در جشنواره امسال حضور دارد. با آهنگرانی درباره این تجربه و علاقه اش به مستندسازی گفت و گو کرده ایم.

■ در کارهای گذشته معمولا تنها کار می کردید، اما این بار با درنا مدنی تجربه مشترکی در کارگردانی داشتید. چرا تصمیم گرفتید این بار تنها کار نکنید؟  
 اصولا باید تنها فیلم ساخت. با درنا مدنی کار کردن متفاوت بود، چون دوستان صمیمی هستیم و در بخش هایی همدیگر را کامل می کنیم. مثلا اگر من فرد تنبلی هستم درنا به شدت جدی است. البته اصولا قاتل به کارگردانی مشترک نیست، اما از آن جایی که از ابتدا برای تهیه گزارش دو نفره رفته بودیم، زمانی که تصمیم به ساخت مستند گرفتیم دو نفره جلو رفتیم. البته در ابتدا خیلی هم موضوع برای مان جدی نبود و تصمیم گرفتیم با دوربین وارد آن فضا شویم تا ببینیم چه پیش می آید. مرحله تحقیق هم در همان زمان فیلمبرداری شکل گرفت و در هر جلسه با فضا بیشتر آشنایی شدیم.

■ چند ساعت راش بود و در نهایت چند دقیقه شد؟  
 یکی از معضلاتی که با دوربین و بدون ذهنیت وارد فضا می شوید این است که از هر چیزی فیلم می گیرید و ساعت ها راش تولید می شود. در این کار هم ۲۵ ساعت راش داشتیم و موقع تدوین ملته بودیم که چطور از این همه راش استفاده کنیم، به همین دلیل مرحله تدوین بسیار طولانی شد و به صورت ناپوسته دو

■ مستندسازی برای شما چطور شروع شد؟ گویا در هر کدام از مستندهایی که ساخته اید، موضوعی شما را وسوسه کرده و به دنبال آن موضوع، مستند شکل گرفته است. مانند مستند «تماشاخانه» یا «ده نمکی ها».  
 در شروع همین طور بود. ۱۲ سال پیش من تئاتری در سالن تئاتر شهر کار می کردم و به نظرم این سالن، مکان جالبی بود. از آن جایی که همیشه مستندسازی در ذهنم بود، همین مکان جالب را برای شروع کار انتخاب کردم که با زیربوم آن آشنا بودم و برایم جذابیت داشت. در واقع در ابتدا سوژه بود که سراغ من آمد و دیدم خوب است که تبدیل به یک مستند شود. درباره غزاله هم همین طور بود. من مقداری راش از غزاله علیزاده به دستم رسید که فکر کردم هر کس عقلی در سر داشته باشد، باید مستندی با این راش ها بسازد و به این شکل «محاکات غزاله علیزاده» ساخته شد. درباره ده نمکی ها هم همین طور بود، اما در آن زمان دیگر به این نتیجه رسیده بودم که مستندسازی کاری است که دوست دارم انجام دهم. فکر کردم سوژه ای است که باید درباره آن فیلمی ساخته شود، اما درباره «مردان ارباب جمشید» مقداری متفاوت بود. به این دلیل که من به فکر ساخت مستندی بودم و چند سوژه در ذهن داشتم که در نهایت این موضوع را انتخاب کردم.

## While I'm Making Documentary, I Feel Better

Pegah Ahangarani, actress and director talked about her new documentary "Men of Master Jamshid" When she was walking in the corridors of City Theatre complex she was thinking that how much interesting is this hall for making a documentary about, then after she got some rushes from Ghazaleh Alizadeh and then she decides to make a film based on them, but for the third time, enthusiasm of people to watch "The Exile 2" tempted her to make documentary. "Men of Master Jamshid" her newest film participated in this edition of the festival. She is daughter of Manizheh Hekmat, the famous producer and director also Jamshid Ahangarani, the famous cinematographer of Iranian cinema. She talked with us about her experience and interest to documentary making. "I never has been familiar with other filmmakers' children but I know Bahman Giarostami, son of Abbas Kiarostami who never be interested in feature filmmaking like me because I always think that you can make a documentary very simple even with your allowance." Pegah Ahangarani



■ نام فیلم: شام آخر  
 ■ کارگردان: محمد قانع فرد  
 ■ درباره فیلم: «شام آخر» روایت مسیحیانی است که در روستای معلولا در نزدیکی دمشق در کشور سوریه زندگی می‌کنند و ناخواسته درگیر جنگی شده‌اند که این روزها در عراق و سوریه جریان دارد. روستای معلولا، روستایی مسیحی‌نشین در اطراف دمشق و در دل کوه است که قدمت چند هزار ساله دارد.



### روایتی متفاوت از جنگ

گفته‌های کارگردان «شام آخر» با موضوع مسیحیانی که ناخواسته درگیر جنگ سوریه و عراق شده‌اند

همیشه دغدغه‌ای شخصی درباره درگیری و تحولات عراق و سوریه داشتم. در این میان یک فکر توی ذهنم داشتم و می‌خواستم مستندی درباره مسیحی‌هایی که ناخواسته پایشان به جنگی که در این کشورها در جریان است، باز شده، بسازم. تحقیقات زیادی در این باره انجام دادم تا این که از طریق اخبار و فیلم‌های مربوط به جنگ همین‌طور دانشجویان سوری که در دانشگاه سینما و تئاتر، درس می‌خوانند به روستای معلولا رسیدم. آن چه در این فیلم مطرح می‌شد به نوعی کشف من است که طی این مدت به آن‌ها اشراف پیدا کردم، زیرا از ابتدا طرح منسجمی برای آن چه قرار بود تولید شود، نداشتم. از این منظر شاید تفاوت مستند من با دیگر مستندها همین موضوع باشد. روستای معلولا که در این کشف به آن رسیدیم، روستایی مسیحی‌نشین در اطراف دمشق و در دل کوه است که قدمت چند هزار ساله دارد و به دلیل نوع معماری خاتمه‌ها و کنیسه‌های متعددی که دارد، پیش از جنگ مقصد گردشگری بوده است. روستا به قدری بکر است که مردم آن هنوز هم به زبان آرامی صحبت می‌کنند و تا ۸۰ سال پیش هنوز عربی نمی‌دانستند. این روستا در طول جنگ‌های سوریه دو بار از سوی جبهه النصره مورد حمله قرار گرفت که در حمله دوم علاوه بر این که بسیاری از مردم آن کشته می‌شوند، برخی از رهبران دینی آن هم دزدیده می‌شوند. ما در مستند ماجرای این درگیری، گروه‌گانی را می‌بینیم که از سوی دیگر نگاه مردم و کشیش روستا مطرح می‌شود که این جنگ‌ها را از چشم اسلام نمی‌بینند زیرا آن‌ها اسلام را با سال‌های زندگی مسالمت‌آمیز در کنار مسلمانان به یاد می‌آورند. شاید بتوانم بگویم حرف فیلم این باشد که آن چیزی که می‌تواند ما را در کنار هم حفظ کند، اشتراک‌های دینی است. یعنی همان نکته‌ای که دین اسلام روی آن تاکید دارد و می‌گوید آدم‌ها می‌توانند با برجسته کردن اشتراکات زندگی خوبی برای خود رقم بزنند. امیدوارم مستند «شام آخر» هفتگی که از ابتدا در ذهن داشتم، محقق کرده باشد و بتواند تأثیری ولو اندک بگذارد.

### جایزه شهید آوینی

اما خوب در حال حاضر اولویت من بازیگری است. ■ «مردان ارباب جمشید» چطور شکل گرفت؟ در حال تهیه گزارشی برای روزنامه‌های بودیم و من پیشنهاد دادم از محله ارباب جمشید گزارشی تهیه کنیم، چون افراد این محله را می‌شناختم و تصور می‌کردم موضوع جالبی برای تهیه گزارش هستند. احمد آقا که یکی از کاراکترهای فیلم است، در گروه تولید پنج تا از فیلم‌هایی که من در آن‌ها بازی می‌کردم، حضور داشت و همیشه به من می‌گفت ما گروهی هستیم که مسلمانان را نظر تو جالب خواهد بود، چون همگی عاشق فیلم هستیم. گزارش را تهیه کردیم و مطلب جالبی شد. با خواندن این مطلب چند نفر از همکاران درخواست دادند که این سوژه را تبدیل به مستند کنند، اما من گفتم خودم تصمیم دارم مستند آن را بسازم. ■ درباره‌شان بیشتر توضیح می‌دهید؟ این افراد، هنروران پیش از انقلاب هستند که پس از انقلاب کاری به آن‌ها پیشنهاد نشده است و از آن جایی که دیوانه سینما هستند، خودشان شروع به فیلمسازی کرده‌اند و این فیلم‌ها تنها برای دل خودشان ساخته می‌شود. این هنروران، بازیگران خوبی نیستند و هر چند خودشان می‌گویند در حق ما احقاق شده است، اما در واقع این‌طور نیست. نکته جالب این‌جاست که بیکار نشسته‌اند و خودشان هر چند ماه یکبار فیلمی ۹۰ دقیقه‌ای می‌سازند. همه مراحل ساخت از فیلمبرداری تا تدوین را هم خودشان انجام می‌دهند. ایده‌ای برای اکران فیلم‌شان ندارند و می‌گویند فیلم را نشان هر کسی می‌دهند به آن‌ها می‌خندد. واقعا فیلم خنده‌داری است، ولی این دیده‌شدن برای آن‌ها مهم نیست و تنها به دنبال ارضای حس دیوانه‌کننده خود نسبت به بازیگری هستند، به همین دلیل کاری که انجام می‌دهند، ترجمه برانگیز نیست. بخش خطرناک ماجرا در مستند ما هم این بود که این افراد به سوژه خنده دیگران تبدیل نشوند و نگاه ترجمه برانگیزی در فیلم نداشته باشیم. نکته جالب دیگر برای من که همواره در بازی درگیر تشخیص واقعیت از بازیگری هستم، این بود که در حرف‌زدن با این افراد، مرز میان واقعیت و بازی دائم از میان می‌رفت. این آدم‌ها با عشق به سینما زندگی می‌کنند.

سال طول کشید. ■ چرا فرزند کارگردانان و تهیه‌کنندگان بزرگ سینما مثل بهمن گیارستمی، یوسف حاتمی‌کیا، میلاد صدرعاملی و شما به مستندسازی روی آورده‌اید؟ به دنبال آزمون و خطا برای ورود به سینمای داستانی هستید یا مستندسازی شما جذابیت بیشتری دارد؟ من با فرزندان فیلمسازان دیگر آشنایی ندارم، اما بهمن گیارستمی را می‌شناسم و می‌دانم علاقه‌اش مستندسازی است و هیچ‌گاه تمایلی برای ساخت فیلم سینمایی نداشته است. من هم از ابتدا همین‌طور بودم. مستندسازی به لحاظ تولید بسیار ساده‌تر است و شما به همراه یک فیلمبردار و با پول توجیبی خود می‌توانید فیلم بسازید، اما فیلمسازی حرفه‌ای بدبختی‌های زیادی دارد و کارگردان باید باج‌های زیادی به تهیه‌کننده بدهد. در نهایت هم نمی‌تواند حرف خودش را بزند. من سینمای مستند را بیشتر دوست دارم، هر چند ممکن است در آینده فیلم داستانی هم بسازم، اما علاقه اصلی‌ام مستندسازی است. ساخت فیلم بلند برای من ساده است، به همین دلیل مستند برایم به هیچ وجه سکوی پرتاب به سمت سینمای داستانی نیست. ذات مستند بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد. ■ منیژه حکمت به عنوان مادر چقدر به شما در نگاه اجتماعی کمک کرده و دید این تهیه‌کننده چه تأثیری در شما داشته است؟ می‌توان گفت صفر، من در بیشتر موارد شاید دیدگاه مادرم را قبول نداشته باشم. بسیاری از اوقات مصاحبه‌ای از او می‌خوانم و با خودم می‌گویم این چه مصاحبه‌ای و نوع نگاه اشتباهی است. من هیچ‌گاه تحت تأثیر او نیومدم و حتی به نوع نگاه انتقاد داشتم که چرا باید مسائل به این شکل مطرح شوند. ■ مستندسازی برای شما جدی‌تر از بازیگری است؟ بازبینی مستند ما هزار کار را با هم انجام می‌دهم. از کافه‌داری تا اداره موسسه فرهنگی و هنری، بازیگری، کارگردانی و نوازندگی، اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که اولویت برای من همان حرفه‌ای است که بیشترین وقت را برای آن صرف می‌کنم و در حال حاضر بازیگری است. ممکن است سر صحنه مستند احساس بهتری داشته باشم و فکر کنم باید برای من جدی‌تر باشد،

سینمای مستند را بیشتر دوست دارم، هر چند ممکن است در آینده فیلم داستانی هم بسازم، اما علاقه اصلی‌ام مستندسازی است

این‌ها هنروران پیش از انقلاب هستند که به آن‌ها پیشنهاد نشده‌است و از آن‌هایی که دیوانه سینما هستند، خودشان فیلمسازی کرده‌اند و این فیلم‌ها برای دل خودشان ساخته می‌شوند

■ نام فیلم: سلطان محمد نقاش  
 ■ کارگردان: سیدوحید حسینی نامی  
 ■ درباره فیلم: محمد نقاش یکی از نقاشان بنام دوره صفوی است که در فیلم «سلطان محمد نقاش» به زندگی و آثار او پرداخته شده است. او صاحب سبک مکتب دوم تبریز است و تا به حال مستندی درباره او ساخته نشده است. این فیلم سعی کرده است سایه روشن های نقاش ایرانی را به تصویر بکشد.



### نگارگری صاحب سبک

روایت وحید حسینی نامی از ساخت فیلم «سلطان محمد نقاش»

1 در تاریخ سینمای مستند ایران یک خلأ وجود دارد و آن هم ساختن فیلم های مستند درباره تاریخ هنر ایران و به خصوص نگارگری است. تاکنون هیچ مستند قابل ارایه و اعتنایی در این زمینه نداشته ایم و همچنان این خلأ احساس می شود. چون بی نهایت سوزه، موضوع و مانع وجود دارد که فیلمسازان باید سراغ آن بروند و به هزارویک علت نمی روند و مهم ترین آن این است که موضوعات فرهنگی در سینمای مستند اساساً مورد استقبال قرار نمی گیرد. فیلمسازها هم وقتی صرفاً به این موضوع بپردازند، طرد می شوند. اما در خود من یکسری علاقه مندهایی وجود داشت که سراغ این ماجرا رفتم.

2 محمد نقاش، سرآمد همه نقاشان دوره صفوی است. میرعلی تبریزی، آقا میرک و خیلی از نقاشان دیگر، در این دوره بنام هستند. اما همیشه یک آرتیست وجود دارد و یک به وجود آورنده مکتب. مثلاً ما یک عباس کیارستمی داریم یا یک سبک خاص فیلمسازی و در کنار او بی شمار فیلمساز داریم که در سبک کیارستمی فیلمسازی می کنند. سلطان محمد نقاش کسی است که مکتب تبریز دوم را ایجاد کرده و این حرف علمای تاریخ هنر ایران است. هنرمندان دیگر هم واقعا جای پرداخت دارند. اما دوباره می گویم به دلیل وجود همان خلأ که در ابتدا گفتم، باید کار را از سرچشمه شروع کرد و بعد سراغ سایر نقاش ها و مکاتب رفت. فرم بصری فیلم در وهله نخست متأثر از خود آثار نگارگری است. چون نگارگری مملو از شاعرانگی و خیال است.

3 در فرم روایت فیلم هم براساس احوال سلطان محمد، آثار او را بررسی می کنیم و ناگزیر به یک دوره نگارگری در بستر تاریخی می پردازیم. من خیلی قائل به تقسیم بندی نیستم. اما «سلطان محمد نقاش» یک مستند تاریخی برتره است. آثار سلطان محمد به لحاظ کمی خیلی زیاد نیست، اما همه آن ها در فیلم بررسی می شود. براساس تجربه ام این طور فیلم ها به حوصله مخاطب احتیاج دارد.

مستند کوتاه



مستند کوتاه

## داستانه بدون یک بودیک نبود

روایت مصطفی آل احمد از «گرو گر»؛ با این کارگردان درباره سوزه فیلمش و مفهومی که پشت آن قرار داد

سوسن سیرجانی  
 soosansirjani@yahoo.com

مصطفی آل احمد از چهره هایی است که همیشه در جشنواره حقیقت حضور داشته و تندیس بهترین مستند برتره را از پنجمین دوره جشنواره حقیقت دریافت کرده است. او امسال با فیلم مفهومی «گرو گر» در جشنواره حضور دارد. اسم فیلم آن قدر عجیب است که مخاطب از سر کنجکاوی هم که شده می خواهد ببیند سازنده به دنبال چیست. البته خود آل احمد تمهید جذب مخاطب توسط عنوان فیلم را از می کند. او به عنوان کسی که پژو هوش، کارگردانی، تدوین و تهیه کنندگی «گرو گر» را بر عهده دارد، درباره این اثر مستند ۲۳ دقیقه ای برای ما می گوید.

احساسات گرایی تصویر می شوند. من دوست ندارم مخاطب را درگیر بازی قصه کنم و با عواطفش بازی شود که خواهد گریه کند یا بخندد. مخاطب مدرن، دیگر مخاطب شبیه قصه گویی مادر بزرگ و یکی بود یکی نبود نیست. اگر چه این مخاطب مدرن را کمتر در میان ایرانی های می توان یافت. این جا و البته در بسیاری از کشورها هنوز مردمان درگیر قصه گویی سنتی هستند، اما در جهان قصه ها تنها یک جریان یکی بود یکی نبود ندارند. قصه آدم ها و مضامین بشری، که گاه بسیار متنوع تر از قواعد کلاسیک هستند، در آن قاعده ها نمی گنجد

■ وجه تسمیه «گرو گر» که برای مستند جدیدتان استفاده کرده اید چیست؟

گرو گر اسم فاعل گرو و به معنی فردی است که پدیده های را به گرو می گیرد. در این فیلم به نظر می آید شخصیت اصلی هم افراد دیگر فیلم را در گرو خودش گرفته است، مثل پرندگان. از طرف دیگر، حتی خودش در گرو نوعی از زندگی است که به خاطر تصمیم هایش به آن محکوم شده است.

■ چقدر اسم می تواند مخاطب را به موضوع فیلم نزدیک کند؟ اصلاً چنین هدفی از انتخاب «گرو گر» داشته اید؟

اسم الزاماً نباید مخاطب را قبل از دیدن فیلم به موضوع راهنمایی کند. شاید عنوان فیلم در جریان تماشای یک اثر معنا پیدا کند و می تواند بخشی از پازل معنایی فیلم را تشکیل دهد. طبعاً هدف من از انتخاب «گرو گر» برای مستند جدیدم انطباق با درون مایه فیلم بوده است.

■ فیلم شما در دسته مستندهای اجتماعی قرار می گیرد؟

نه، بیشتر یک فیلم مفهوم گراست.

■ فیلم، گفتار متن ندارد، بنابراین سبک روایت فیلم چگونه است؟

بله، چون به نظر من گفتار متن لازمه مستندسازی نیست. در این فیلم بیشتر باید در پی مفاهیمی که در لایه های زیرین سوزه قرار دارد، بود؛ مفاهیمی چون آزادی، بودن، جبر، تصادف، زیست، تنهایی و...  
 ■ برای فیلم سوزه (فرد خاص یا داستان زندگی خاصی) در نظر گرفتید؟ این سوزه چطور انتخاب شد؟

سوزه برای من خیلی مهم نبود، بیشتر مفهومی که پشت آن است، مهم بود. مثلاً در داستان «افسانه سیزیف» با مردی سروکار داریم که هر روز یک کار تکراری می کند و تنهایی را به بالای کوه برده و شب هنگام آن را دوباره به پایین می غلتاند. در این جا شخصیت فرد مهم نیست، در واقع کار عبث انسانی که موضوع قرار گرفته است، اهمیت دارد. در «گرو گر» هم شاهد زیست دو گانه ای هستیم، سبکی پرواز و در عین حال بند زندگی بودن.

### A Story without Once Upon A Time There Was...

Mostafa Aal-e Ahmad who always has been present in Cinema-Verite festival and has won Best Portrait Documentary from the 5th festival, made a film named "Gerogar". The name of the film evokes the audience's curiosity so much as he/she wants to watch it even to sleep this sense. However, he as the researcher, director, editor and the producer of the film rejects this claim. "In this film the subject was not so important for me, the concept behind this was much more important. For example in the legend of Sisyphus the character is not important, but the act of futile work is considered. In "Gerogar" also I zoomed on concept. We are witnesses of dual life; lightness of flying and engaging in life." Mostafa Aal-e Ahmad



## پرتره یک نقاش

با محمدرضا عینی و «اسبی که شیهه نمی کشد»: این فیلم، مستند - پرتره‌ای از واحد خاکدان نقاش معاصر ایرانی است و جهان و آثار او را به زبان سینمایی روایت می‌کند

عرفان جلالی

jalali.se@gmail.com

## Portrait of A Painter

Mohammadreza Eyni directed "A Horse Which Doesn't Neighing" which is a portrait documentary about Vahed Khakdan, the Iranian contemporary painter. He narrates the world of him and his works in a cinematic language. "I was familiar with paintings of Vahed Khakdan and I like his works. His painting made me to think and imagine a narrative in my mind based on them. Mostly men are absent in his paintings and just objects speak with the audience. After some sessions I met him, I certainly decided to make a documentary about him. The most important part of the film was its research. Before I start shooting, I had interviews with him for many hours, then I took notes and then I wrote final version of the script. However, Mr. Khakdan and his works were the most important sources of my work." Mohammadreza Eyni

### درباره فیلم

- نام فیلم: اسبی که شیهه نمی کشد
- کارگردان: محمدرضا عینی
- تهیه کننده: محمدرضا عینی
- زمان: ۴۸ دقیقه
- درباره فیلم: این مستند زندگی پر فراز و نشیب نقاش معاصر ایرانی واحد خاکدان را به تصویر می‌کشد و تلاش می‌کند از رهگذر نقاشی‌ها و زندگی او در ایران و آلمان، نقبی به دنیای درونی او بزند.

مستندسازی است که با لبخندی شیرین پاسخ این سوال را می‌دهد: «به این فیلم که فکر می‌کنم چیزی جز لذت در ذهنم متبادر نمی‌شود. دلیلش هم این است که من شخصیت فیلمم را جدا از خود فیلمم، بسیار دوست دارم. او دوستی بسیار محترم است که هر طور که با هم وقت بگذرانیم، برایم لذتبخش است و چه بهتر که این وقت گذرانی به ساخت یک فیلم منجر شده باشد.»

### پرتره متفاوت

محمدرضا عینی در ادامه همین مبحث به تکراری و کلیشه‌ای بودن اکثر مستندهای پرتره اشاره می‌کند: «اگر به سنت پرتره‌سازی رجوع کنید، متوجه عناصر مشترک و تکرار شونده بسیاری میان این مستندها می‌شوید. به جرأت می‌گویم که در این فیلم کاری کرده‌ایم که نمونه‌اش را به سختی می‌توان پیدا کرد؛ خوب یا بدش بماند، این‌جا نمی‌خواهیم از فیلم دفاع کنیم، منظورم تنها این است که ما از روی دست کسی کی‌برداری نکردیم. ما فقط تابع فرمی بودیم که خود فیلم از ما می‌خواست.» اما معمولاً این جنس مستندها چندان به مذاق مخاطبان عام سینما خوش نیامده و برای آن‌ها خسته‌کننده است. آیا «اسبی که شیهه نمی‌کشد» می‌تواند با قاطبه مخاطبان ارتباط برقرار کند؟ عینی خود نیز این موضوع را تأیید می‌کند: «به طور کلی مخاطبان این فیلم کسانی هستند که یا در حوزه هنرهای تجسمی فعالیت می‌کنند یا به این حوزه علاقه دارند. فیلم‌های اینچنینی معمولاً مخاطبانی را که به این شرایط ایجاد علاقه‌ای ندارند به سختی جذب می‌کنند، ولی اگر شرایطی ایجاد شود تا مخاطبانی که کمتر با این فضاها آشنا هستند بتوانند این فیلم‌ها را ببینند، به نظر من اتفاق مبارکی است. متأسفانه در جامعه ما حتی در میان قشر فرهیخته آشنایی بسیار کمی با هنرهای تجسمی وجود دارد.»

محمدرضا عینی در مستند «اسبی که شیهه نمی‌کشد» سعی دارد جهان بینی و آثار واحد خاکدان، نقاش معاصر ایرانی را در قالب مدیوم تصویر و سینما روایت کند. هر چند مستندهای پرتره، عناصر مشترک و تکراری بسیاری دارند، اما این فیلم از آثار مشابه متمایز است و آن طور که کارگردانش می‌گوید نمونه‌اش را به سختی می‌توان پیدا کرد. با این کارگردان درباره ابعاد مختلف این مستند گفت‌وگو کرده‌ایم.

### مکالمه تصویری اشیا و تماشاگر

چرا واحد خاکدان؟ شاید این نخستین سوالی باشد که در باره این مستند به ذهن می‌رسد. از محمدرضا عینی می‌پریم چطور شد که از میان نقاشان مختلف، به فکر ساخت مستندی بر اساس زندگی و آثار واحد خاکدان افتادید؟ او می‌گوید: «با نقاشی‌های آقای خاکدان از قبل آشنا بودم، کارهای او را دوست داشتم و نقاشی‌های او همیشه باعث می‌شد در ذهنم، دست به رویاگری بر اساس آنها بزنم؛ فضاهایی که در غالب آن‌ها انسان غایب است و در آن‌ها فقط اشیا با تماشاگر صحبت می‌کنند. بعد از چند جلسه دیدار حضوری با او، مطمئن شدم که می‌خواهم این فیلم را بسازم.»

### فقدان منابع در حوزه هنرهای تجسمی

فرآیند تحقیق و پژوهش مستند «اسبی که شیهه نمی‌کشد» یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین قسمت‌های کار بوده است. این همان نکته‌ای است که کارگردان روی آن تأکید دارد و می‌گوید: «قبل از ساخت این فیلم ساعت‌ها به صورت حضوری با آقای خاکدان صحبت کردیم. در خلال این صحبت‌ها آن چه را که لازم بود، یادداشت می‌کردم تا بعداً در سناریوی نهایی از آن‌ها استفاده کنم. در مجموع خود آقای خاکدان و نقاشی‌های‌شان مهم‌ترین منبع مطالعاتی من در ساخت این فیلم بود.» عینی با ابراز تأسف از کمبود نقدهای کارشناسانه در حوزه هنرهای تجسمی ادامه می‌دهد: «متأسفانه نقد و نظر جدی و کارشناسانه در حوزه هنرهای تجسمی ایران تقریباً وجود ندارد. شما چند کتاب را سراغ دارید که در حوزه نقد هنرهای تجسمی باشد؟» او حرف‌هایش را این طور پسی می‌گیرد: «غالب نقدهایی که هم نوشته می‌شوند در واقع نقد نیستند؛ بیشتر بازی با کلماتند؛ گویا نقاشی و اثر هنری تنها بهانه‌ای است برای این که نویسنده، با چند تشبیه و استعاره، سروته نوشته‌ها را هم بیآورد. در واقع به سختی می‌شود این نوشته‌ها را نقد نامید؛ در بهترین حالت در حد همان معرفی اثر باقی می‌ماند.»

### نزدیک به تابلوهای نقاشی

فرم و شیوه ساختار «اسبی که شیهه نمی‌کشد» محور سوال بعدی‌مان است. محمدرضا عینی در این باره توضیح می‌دهد:

«در این فیلم سعی شده با استفاده از امکانات بیانی سینما، جهان و آثار این نقاش به زبان سینما ترجمه شود. بزرگترین دغدغه من از ابتدا این بود که چطور می‌توان یک نقاش را روایت کرد؟ ابزار بیانی یک نقاش تصویر است. وقتی ما می‌خواهیم از یک مدیوم بصری دیگر استفاده کنیم باید چه چیزهایی را مدنظر داشته باشیم؟ این‌ها نمونه‌هایی از سوالاتی بود که ذهن مرا پیش از ساخت این فیلم درگیر کرده بود.» عینی ادامه می‌دهد: «در این فیلم سعی کردیم از یک نوع روایت کلاژگونه استفاده کنیم و میزانشن‌ها و کمپوزیسیون‌ها تا حدی که امکان‌پذیر بود، به تابلوهای خاکدان نزدیک شدند.» آن طور که عینی می‌گوید وسوس را در مراحل فنی فیلم هم رعایت کرده است: «در تدوین هم تأکید بسیاری شد بر حضور و غیاب انسان، همان‌طور که در کارهای نقاش دیده می‌شود. برای باند صوتی فیلم هم از نوعی موسیقی استفاده شد که غالباً در پرتره‌ها استفاده نمی‌شود. برای انتخاب این شکل از موسیقی هم دلایلی وجود داشت که با دیدن فیلم می‌توان تا حدودی متوجه این انتخاب شد.»

### مهاجرت در قاب نقاشی

مهاجرت یکی از محورهای اصلی آثار نقاشی خاکدان است و طبیعی است که در فیلم «اسبی که شیهه نمی‌کشد» جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. عینی که در مستندش نیز به این موضوع اشاره دارد، در این باره توضیح می‌دهد: «برای روایت این فیلم امکانات زیادی در اختیار داشتیم، اما قسمت‌هایی از زندگی نقاش که در شیوه نقاشی او تأثیر داشت و می‌توانست جهان‌بینی او را منعکس کند، انتخابش چه کسانی بودند و کدام هنرستان درس خوانده یا استادانش چه کسانی بودند و چیزهایی از این قبیل.» او ادامه می‌دهد: «برای ما این مهم بود که بفهمیم چرا موضوع مهاجرت و مکان‌های متروک آن قدر در کارهای این نقاش نمود دارد. به همین خاطر حتی ترجیح دادیم به عقب برگردیم و انگشت‌بگذاریم روی مهاجرت اجباری مادر بزرگ و پدر بزرگ او، از روسیه به ایران. آن تصاویر آرشیوی هم تا آن جایی که در خدمت روایت فیلم بود، استفاده کردیم.» از او درباره چالش‌ها و سختی‌های تولید این پروژه می‌پرسم و با پاسخ جالبی روبه‌رو می‌شوم. نکته جالب این که عینی از معدود

### فیلمسازی در شرایط خاص

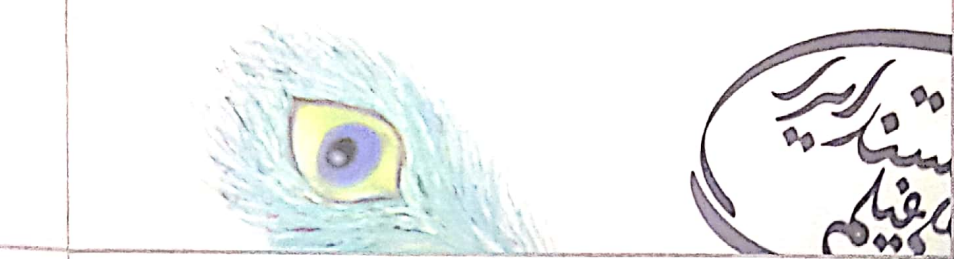
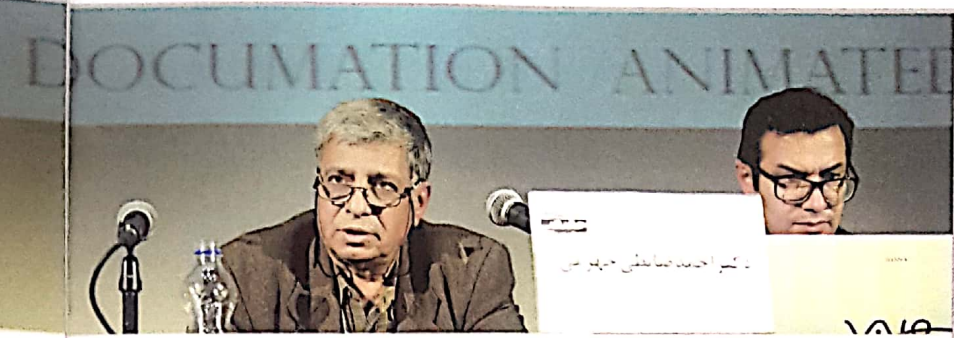
کنکاشی در مستند مقاله فیلم

تعاریف مختلفی از گونه‌های مستند مقاله فیلم وجود دارد که نمونه آن را شاید بتوان در کارهای مستندساز مشهور، کریس مارکر دید. مستند «یک پوزخند بدون گریه» فیلمی است که در آن تقریباً تمام انقلاب‌ها به تصویر کشیده شده و یکی از آن‌ها انقلاب جمهوری اسلامی ایران است. نام این فیلم برگرفته از شخصیت «گریه» در رمان «الیس در سرزمین عجایب» است که به جنبش‌های سوسیالیستی در سال ۱۹۶۸ اشاره دارد و حرف‌های خود را در پس‌خنده این گریه پنهان کرده و از آن به عنوان کنایه از آنچه قرار بود اتفاق بیفتد و آنچه امروز هستیم، استفاده می‌کند. فیلم‌های کریس مارکر را می‌توان به لحاظ تاریخ‌نگاری، تصویری بررسی کرد، مثلاً صحنه‌ای که شاه ایران را در میان دیگران نشان می‌دهد، به گونه‌های سوال‌های مختلفی را برای مخاطب دربارہ دلایل و چگونگی خیزش مردم برای انقلاب به وجود می‌آورد. البته که مردم ایران خود از نزدیک شاهد انقلاب بوده و آن را درک کرده‌اند. در مورد موضوع فیلم مقاله باید به تفاوت مقاله یا متن یا فیلم هم توجه کرد. در یک فیلم ما توانایی کات‌زندن داریم و همچنین ایجاد برقراری عواطفی که مورد نظر ما است، این موارد توانایی‌هایی است که سینما در ذات خود دارد. می‌توان این گونه گفت که در این نوع فیلم‌ها بار معنایی تصویر به مراتب از صدا یا متن بیشتر است و گاهی اوقات شاهد این موضوع هستیم که یک فریم از تصویر، معنای به مراتب کامل‌تری را از متن به مخاطب منتقل می‌کند. «این گونه مستند دنیایی است که باید مخاطب را به تفکر وادار کند. شاید فیلم مقاله نوعی فاصله‌گذاری است که «بر توتل برشت» بر آن تاکید بسیار زیادی داشته است. بد نیست در پایان بگویم افراد کمی در ارتباط با گونه فیلم مقاله تعریف داده‌اند، مثلاً مایکل مور در این زمینه فیلم مقاله نویسی نیست. در جشنواره زمانی که خواستیم با وی صحبت کنیم، اطرافیاناش تقاضای مبلغ سه الی چهار هزار دلاری داشتند. از نظر من آن‌ها افرادی با هویت جعلی هستند که نمی‌توان بهشان مستندساز گفت.

### یادداشت



مستندساز نژادی



## چالش بر سر مستندهای دورگه

گفته‌های دکتر احمد ضابطی چهرمی در کارگاه تخصصی فیلم مستند هیبرید (دورگه)

هانیه درویش

Haniedadarvish8@mail.com

موضوع کارگاه | فیلم مستند هیبرید (فیلم دورگه)

کارشناس | دکتر احمد ضابطی چهرمی

کارگاه فیلم مستند هیبرید دومین کارگاه روز گذشته بود که با دو نمایش مستند همراه شد. در این کارگاه عنوان شد با وجود تلاش‌ها، ما ایرانی‌ها در بحث مستند هیبرید یا دورگه ۲۰ سال از غربی‌ها عقب هستیم. در ادامه گزیده‌ای از گفته‌های دکتر احمد ضابطی چهرمی را می‌خوانید؟

### هیبرید یا دورگه به چه سالی برمی‌گردد؟

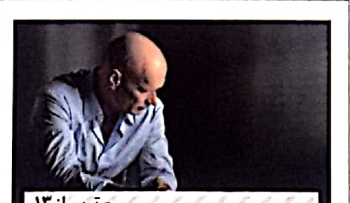
چرخه‌های نام هیبرید به سال ۱۹۹۰ در آمریکا و انگلستان برمی‌گردد که روی چهار گونه مستند دورگه یعنی مستند داستانی، درام مستند، مستند بدلی یا جعلی و مستند انیمیشن کار شده است. سال ۱۹۹۲ بود که نخستین مقالات و سال ۱۹۹۵ هم نخستین کتاب‌ها در این مقوله به چاپ رسید. در حالت کلی می‌توان گفت مستند هیبرید از لحاظ تاریخی به اواخر قرن بیستم در غرب برمی‌گردد که این نشان می‌دهد ما در این نوع مستند ۲۰ سالی از غرب عقب هستیم. در ایران سال ۱۳۷۳ هیچ‌کس نمی‌پذیرفت فیلم مستند می‌تواند داستان داشته باشد، اما خوشبختانه از آن دوران سال‌های زیادی است که می‌گذرد و دیگر غالباً پذیرفته‌اند که مستند یک مفهوم چندپهلوی و کاملاً متغیر است.

### معرفی فیلم‌های امروز



۱ | اجرای کمدی شوخی نیست  
To Make a Comedy Is No Fun  
کارگردان: رابرت کولینسکی  
۲۰۱۶ سوئیس

۲ شور و شوق اصلی ژبری منزل تئاتر است اما با این حال این فیلمساز ۷۷ ساله اهل چک از بزرگان سینمای معاصر در اروپای مرکزی است. نامی همپای میلوش فورمن و امیر کوستوریتسا. شهرت اصلی او برای فیلم مشهور قطارهای به دقت مواظبت شده محصول ۱۹۶۶ است که توانست اسکار بهترین فیلم خارجی را نیز به دست بیاورد. آن هم وقتی که جوانی بیت و چند ساله بود. این مستند درباره کارگردانی است که بیشتر آثارش از طنز سیاهی برخوردارند. این فیلم مستند رابرت کولینسکی از شیوه فیلمسازی ژبری منزل را از دست ندهید.



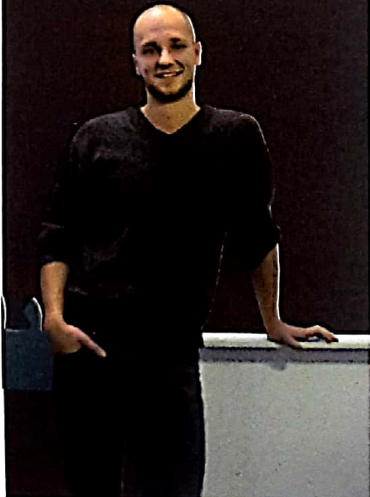
۱ | ترس از ۱۳  
The fear of 13  
کارگردان: دیوید سینگتون گوتیرز  
۲۰۱۵ انگلستان

۱ یک مستند نفسگیر درباره نیک یاریس. مردی که زندگی واقعی‌اش از یک داستان تخیلی هم عجیب‌تر است. یاریس به اتهام قتل مجرم شناخته شده و ۲۳ سال از عمرش را در صف مرگ گذرانده است. حالا روی دوربین نشسته و از این سال‌های زندگی‌اش حرف می‌زند. این فیلم درخشان راوی اول شخص دارد که خود یاریس است. مستند در داستان گویی بسیار قوی عمل می‌کند. کارگردان برنده جایزه بفتا و از مستندسازان مشهور بی‌بی‌سی است. یاریس همان طوری که قصه آن روزهایش را تعریف می‌کند چشم‌ها و بدنش ناخودآگاه واکنش‌هایش را به تصویر می‌کشند. اسم فیلم اشاره به بیماری‌ای دارد که آدم‌ها از نحسی عدد ۱۳ می‌ترسند.

## قدرت فیلم‌های مستند

فلپکس روین، مستندساز  
۳۱ ساله آلمانی از تجربه حضور  
در «سینماحقیقت» می‌گوید

بعد از دو سال سابقه تحصیل در رشته فیلمسازی در کشور هند، فیلم مستند «معدن هند» را به‌عنوان نخستین تجربه مستندسازی با موضوع تلاش‌های انسانی و کار سخت کارگران در معدنی در هند ساختم که امسال در جشنواره سینماحقیقت حضور دارد. به‌شخصه سینمای مستند را به‌عنوان در پیچه چشم کارگران می‌دانم که از طریق آن می‌توان فهمید چگونه دنیای پیرامون خود را نگاه می‌کند. از همین منظر متقدم فایده به نمایش در آمدن فیلم‌های مستند یک کشور در کشورهای دیگر به اشتراک گذاشتن این زاویه دیدهاست. مستندهایی که به ما نشان می‌دهند در دیگر نقاط جهان چه اتفاقی در جریان است، به‌خصوص که برخی فیلم‌ها در کشور اصلی اجازه پخش ندارند، مانند همین مستند ما که امکان نمایش آن در هند وجود ندارد و باید در کشورهای دیگر آن را به نمایش در آوریم. هدف این آثار در نهایت بالا بردن سطح آگاهی نسبت به برخی پدیده‌هاست، مانند مستند «معدن هند» که درباره فعالیت کارتل‌های بزرگ اقتصادی بین‌المللی است و شرایط بسیار سخت و مشقت‌باری را برای کارگران یک معدن به وجود آورده‌اند. معدنی که دومین معدن بزرگ در آسیا محسوب می‌شود و به نوعی این مستند آگاهی مخاطب درباره آن را افزایش می‌دهد. احساس می‌کنم بزرگ‌ترین مشکل امروز سینمای مستند در کشور ایران، ضعف در سیستم توزیع و پخش است و این‌که نمایش فیلم‌ها غالباً محدود به جشنواره‌ها می‌شود. این مشکلی است که تا حدودی در آلمان هم با آن مواجه هستیم و عرضه و اکران فیلم‌های مستند آرام آرام دارد تحت‌تأثیر سیطره فیلم‌های داستانی قرار می‌گیرد.



کند، زیرا فیلمبرداری ترجیحاً در محل اصلی رویداد انجام می‌شود. در مستند داستانی شخصیت‌های اصلی نقش حقیقی خود را ایفا می‌کنند (معمولاً از بازیگر به جای شخصیت‌ها استفاده نمی‌شود). در این فیلم هیبرید، ژن مستند، ژن غالب است.

### ■ درام مستند

درام مستند اصالتاً حاصل ترکیب ادبیات روایتی، سینما و نمایش-درام است. فیلمنامه آن غالباً با به‌کارگیری تمهیدات تکنیکی و روایتی فیلم‌های داستانی-تخیلی نگاشته می‌شود. ویژگی‌های درام مستند: آمیخته‌ای است عمدتاً از واقعیت و جنبه‌هایی از تخیل، با به‌کارگیری تکنیک‌های فیلم داستانی. اساس درام مستند نیز بر بازسازی رویداد بوده و از این جنبه به مستند داستانی شبیه است. برای تأثیر بیشتر واقعیت، رویدادهایی که ذاتاً غیردراماتیک هستند، دراماتیزه می‌شوند. محتوای فیلمنامه درام مستند، یک موضوع حقیقی (fact) است، زیرا فیلمنامه آن براساس مدارک، شواهد و انواع تحقیق نگاشته می‌شود، از این جنبه نیز به مستند داستانی شبیه است. غالباً از بازیگران حرفه‌ای و شناخته‌شده و گاه از بازیگران (یا ترجیحا بازیگران کمتر آشنا) استفاده می‌شود.

### ■ مستند بدلی (جعلی)

مستند بدلی یا توسل به کدهای رایج یا سنتی مستند-ویژگی‌های ساختاری و بصری آن - مخاطب را فریب می‌دهد. ویژگی‌های مستند بدلی: در مستند بدلی رویدادهای تخیلی به سبک مستند تصویر می‌شود؛ اغلب به‌منظور هجو و مضحکه. مستند بدلی مخاطب را نسبت به ماهیت و یقینی که مستند سنتی در مورد ارایه حقایق دارد، به تردید و بدگمانی وامی‌دارد و این یعنی تیشه بر ریشه مستند، به این معنا که به اعتبار محتوای مستند از روی خصوصیات ظاهری آن نمی‌توان اعتماد کرد. مستند بدلی تأکید می‌کند: مستند بودن یک فیلم به جنبه‌های «برون ارجاعی» آن، به شواهد جهان خارج از فیلم، مربوط می‌شود، نه مجموعه‌ای از علایم ظاهری (ساختاری) یا قرار دادهای بصری مستند. مستند بدلی برای تأثیر بیشتر از شگردهای فیلم‌های داستانی-تخیلی نظیر روش‌های کمیک یا دراماتیک بهره می‌گیرد.

### ■ مستند انیمیشن

مستند انیمیشن، فیلم دورگه‌ای است که با استفاده از تکنیک‌های یا فرم‌های فیلم انیمیشن، یک موضوع حقیقی یا یک رویداد واقعی را که چشم‌قادر به دیدن آن نیست یا دوربین رئال نمی‌تواند آن پدیده را ضبط کند، به تصویر می‌کشد.

ویژگی مستند انیمیشن: افزایش ظرفیت نمایشی و بازنمایی مستند متعارف منجر به تفهیم بهتر و موثرتر محتوای مستند می‌شود، همچنین تکنیک انیمیشن به توسعه زیبایی‌شناسی مستند یاری می‌رساند و در مجموع باعث می‌شود نگرش‌های متفاوتی از واقعیت ارایه شود. در مواردی که بازنمایی یک موضوع واقعی به دلایل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی یا امنیتی به‌صورت زنده (live action) امکان‌پذیر نیست، از مستند انیمیشن استفاده می‌شود.

## A Challenge About Hybrid Documentaries

Dr. Ahmad Zabeti Jahromi Talked in Workshop of Hybrid Documentaries  
Title of Workshop: Hybrid Documentaries Master: Dr. Ahmad Zabeti Jahromi  
Workshop of Hybrid Documentaries was the second workshop of yesterday which was accompanied with screenings of two documentaries. Although Iranian documentarists tries to work about Hybrid Documentaries, we are still in back rows in comparison with western countries. Dr. Ahmad Zabeti Jahromi compared documentary and mockumentary by exemplifying two documentaries of "It Was A Beautiful Day" and "Forgotten Silver". There was around 1990 that the name of Hybrid documentary in USA and England was heard which was back to four categories of documentary. It was 1992 when the first papers were published about Hybrid Documentaries and generally, we can say that historically its creation back to start of 20th Century.

خوشبختانه فیلم دورگه با این‌که تولید متعارفی نبود، اما امروزه علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده است. در اصل وقتی یک هنرمند به فرم سنتی تن ندهد و به‌صورت ترکیبی از عناصر موجود استفاده کند، مستند هیبرید را به وجود آورده است.

### ■ ویژگی‌های مستند‌های هیبرید

مستند داستانی: این نوع مستند، فیلمی است که عناصر داستانی آن، به جز عنصر زمان، واقعی است. به‌کارگیری تمهیدات فیلمنامه‌نویسی داستانی، تمایل به استفاده از ساختار تدوین تداومی برای تقویت روایت و به‌کارگیری عناصر اصلی فیلم مستند (موضوع حقیقی، مکان و شخصیت واقعی)، از ساختارهای روایت فیلم‌های داستانی-تخیلی (fiction film) استفاده می‌کند. تصویرکردن ماجرای حقیقی که برای شخصیت‌های حقیقی درگیر در ماجرا رخ داده، بازسازی یا اجرای مجدد (re-enactment) می‌شود. در مستند داستانی سعی بر این است که اجرای مجدد، به‌اصالت رویداد-جرم مهم‌ترین جنبه‌های استنادی آن- بیشتر نزدیک شود یا شبیه به آن باشد. در مستند داستانی تلاش می‌شود بین زمان رویداد و بازآفرینی (فیلمبرداری) فاصله کم باشد تا سیمای شخصیت‌ها و خصوصیات ظاهری جغرافیای رویداد کمتر تغییر

## Introduction to Films



■ معدن هند  
Coal India  
■ کارگردان: فلپکس روین، آجای کلی  
■ آلمان ۲۰۱۵

4  
تاملی بر جریان روزمره زندگی و فشار فیزیکی کارگرانی که در معدنی در هند کار می‌کنند. تضاد وقتی عمیق‌تر می‌شود که آرم کمپانی پخش‌کننده فیلم در هند با همان سبک بالیوودی می‌آید و بعد تصاویری از پوشش‌های خاکستری، یک موسیقی شاد در افتتاحیه فیلم راه را برای یک گروه کر غمگین باز می‌کند. با زندگی در دولوکیشن اصلی آشنا می‌شویم: یکی منطقه شش‌جایی که مردان تکه‌های ذغال را در سبدهایی روی سرشان حمل می‌کنند و منطقه دیگری که بچه‌ها مثل دزدان در بایسی روی کامیون‌ها می‌برند تا غنایم جنگی‌شان از خرده‌سنگ‌ها را به دست بیاورند.

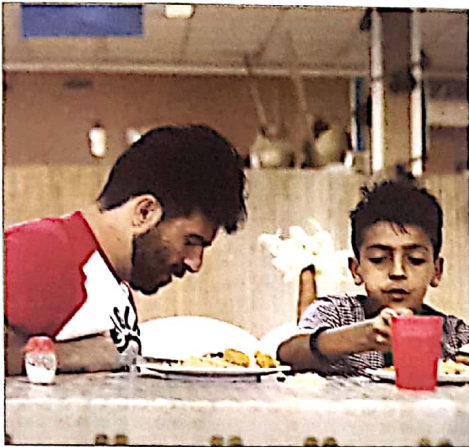


■ منطقه عبور  
Transit Zone  
■ فردریک زوبی  
■ اسکاتلند، انگلستان ۲۰۱۵

3  
این مستند نگاهی دقیق و موثق به پناهجویانی دارد که در جنگل‌های کاله در شمال فرانسه زندگی می‌کنند. ما وارد نمای نقطه‌نظر تیفامی شویم که از سودان فرار کرده و روپایش این است که یک روز بتواند سوار یکی از کامیون‌ها بشود و به انگلستان برود و امید دارد که در آنجا زندگی بهتری در انتظارش باشد. با وجود اشتیاق ملموس این جمعیت پراکنده، زندگی در جنگل سخت است و عوارض خودش را دارد. تیفامی تقریباً شش ماه را در کمپ گذرانده و از انتظار برای رفتن از این منطقه خسته شده. منطقه‌ای که تعداد کمی از افراد انقدر خوش‌شانس هستند که بتوانند از آن عبور کنند.

# جشنواره یافیلیم؛ مساله این است!

در سومین روز جشنواره بازتاب رسانه‌ای این رویداد شرایطی مشابه روزهای قبل داشت و هنوز خبری از اتفاق ویژه به خصوص در میان رسانه‌های مکتوب نیست. نکته جالب اینجاست که برخی رسانه‌های کاغذی که نسبت به اصل رویداد سکوت پیشه کردند، فرصت انتقاد از برخی فیلم‌های به نمایش در آمده و به بهانه آن خبرسازی علیه اصل جشنواره را از دست نمی‌دهند!



هم در ادامه روند پوشش روزانه متن و حاشیه جشنواره دهم، در گزارشی ضمن اشاره به مهمانان ویژه دومین روز جشنواره از «افزایش چشمگیر مخاطبان» این رویداد نوشت.

## رسانه‌های کاغذی

در میان روزنامه‌های سراسری روز سه‌شنبه روزنامه شرق سهم بیشتری از صفحه فرهنگی خود را به جشنواره «سینماحقیقت» اختصاص داده بود. این روزنامه علاوه بر انتشار گفت‌وگویی کوتاه با مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان که به بهانه آن تیتراژ بود «برگزاری جشنواره سینماحقیقت در کرمان باعث ارتقای آثار و تشویق هنرمندان می‌شود»، گفت‌وگویی با محمدرضا اسلاتی هم منتشر کرده بود که برای تیتراژ آن جمله استاد اسلاتی انتخاب شده بود: «راه نجات سینمای ایران رجوع به مستند است». در کنار روزنامه شرق اما روزنامه کیهان ترجیح داد به جای جشنواره به آکران یکی از فیلم‌های سیاسی در این رویداد بپردازد و در ستون اخبار فرهنگی خود آکران این فیلم را حرکتی سفارشی از سوی دولت برای تقویت «برجام» تحلیل کند!

## رسانه‌های برخط

خبر کوتاه روزنامه کیهان در واقع ادامه خط خبری‌ای است که سایت جهان‌نیوز و خبرگزاری فارس در روز قبل آغاز کردند تا این دو رسانه برخط هم سهمی در واکنش به جشنواره دهم سینماحقیقت داشته باشند. اما مهم‌تر از این رویکرد تحلیلی در میان خبرگزاری‌های رسمی باز هم این خبرگزاری مهر بود که با انتشار سه مصاحبه مشروح با مستندسازان بیشترین همراهی را با جشنواره سینماحقیقت نشان داد. باقی خبرگزاری‌ها اما به انعکاس گزارش حضور رییس سازمان سینمایی در کاخ جشنواره بسنده کردند. سایت سینمایی «آی سینما»



نشریه روزانه دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجریبی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش انگلیسی: سمیه قاضی زاده
- بخش بین‌الملل:
- صوفیا نصر الهی و سارا شمیرانی
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: مریم سعید پور

- تحریریه:
- لیلا علیپور
- سمیه علیپور
- سوسن سیرجانی
- عرفان جلالی
- زهرا عباسی
- محمد رضا کاظمی
- با تشکر از همراهی:
- مرجان فاطمی

## گرافیک و فنی

- مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی
- صفحه آرایی: فرشاد بذرافشان
- اجرائی و هماهنگی: مریم رضوانی
- ویرایش عکس: محمد بذرافشان
- ویرایش و تصحیح: نجمه درزلو

- باسپاس فراوان از:
- لوریس چکنواریان

- با تشکر از همراهی:
- حامد خورشیدی، محمود صادقلوی گیوی
- و علی اصغر لشنی

## شبکه‌های اجتماعی

### اخبار اشتراکی

در روز اول نوشتیم که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آنقدر قدرت گرفته‌اند که برای اطلاع‌رسانی رسمی هم غالباً بهترین مسیر، افتتاح کانال است. جشنواره سینماحقیقت هم بر مبنای همین واقعیت از همان ابتدای راه کانال رسمی خود را افتتاح کرد تا تریبون رسمی این جشنواره در شبکه‌های اجتماعی باشد. هم‌زمان باقی مراکز و نهادهای مرتبط با سینمای مستند هم کانال‌های خود را فعال کردند. یادآوری این مقدمه برای آن بود که بگوییم جذابیت بیشتر گروه‌ها به خصوص گروه اصلی «بحث مستند» به اندازه‌ای رسیده که حداقل ۵۰ درصد مطالب به اشتراک گذاشته‌شده در آن در واقع باز نشر اخبار رسمی همین کانال‌های خبری است. طبیعی هم هست که در این شرایط مخاطبان خاص این کانال‌ها ترجیح بدهند به عضویت در گروه بسند کنند و بی‌خیال «جوین» شدن در کانال‌ها شوند!

### کدام چهره ویژه؟

دیروز در مرور حال و هوای شبکه‌های اجتماعی نوشتیم که فهرست طراحی شده از سوی برخی کانال‌های تلگرامی با عنوان «فیلم‌های پیشنهادی» یا «مهم‌ترین فیلم‌های امروز» با اعتراضی ضمنی مواجه شده که اساساً این انتخاب‌ها بر مبنای کدام معیار و سلیقه است. هنوز اعتراض به این مدل اطلاع‌رسانی درباره رویدادهای جشنواره به نتیجه نرسیده بود که روز گذشته شاهد ظهور نوع تازه‌ای از این اعلام سلیقه‌ها بودیم؛ متون یا «مهمانان ویژه حاضر در جشنواره» که باز هم اصلی‌ترین ابهام درباره آن مشخص نبودن ملاک و معیار معرفی بود! نکته عجیب درباره این فهرست‌ها هم این است که اساساً غالب چهره‌های حاضر در کاخ جشنواره یا از سوی مستندسازان دعوت شده‌اند یا خود سهمی در جریان تولید برخی از آثار مستند داشته‌اند؛ این یعنی بخش قابل توجهی از این مهمانان در نوع خود «ویژه» محسوب می‌شوند.



## هنر دیده شدن

### در شبکه‌های اجتماعی به جشنواره سینماحقیقت چطور پرداخت شده است

حالا دیگر به راحتی نمی‌توان در جریان همه اخبار و تبادل نظر در گروه‌های تلگرامی مرتبط با سینمای مستند قرار گرفت. سرعت و تعدد تبادل پیام‌ها در این گروه‌ها و کانال‌ها آنقدر بالا رفته که اگر فقط چند ساعت ارتباط با اینترنت را از دست بدهی، به محض اتصال مجدد با تراکم بالای پیام‌های خواننده نشده مواجه می‌شوی. در این تراکم که بخش قابل توجهی از آن مربوط به تلاش مستندسازان برای معرفی آثارشان می‌شود، دیده شدن، یک هنر است!

## روی موج حقیقت

در کنار پوشش تصویری جشنواره دهم سینماحقیقت در برنامه‌های تلویزیونی و اینترنتی، یکی از کانال‌های ارتباطی علاقه‌مندان سینمای مستند با حال و هوای جشنواره، برنامه رادیویی «چراغ» از شبکه رادیویی تهران است. صادق داوری فر مستندسازی که اتفاقاً در جشنواره امسال با فیلم «آقای هرگز» حاضر است، تهیه‌کنندگی و سردبیری این برنامه رادیویی را برعهده دارد. داوری فر در گفت‌وگو با نشریه روزانه جشنواره درباره این برنامه می‌گوید: «چراغ» برنامه‌ای رادیویی است که از سه سال پیش هر شب به روی آنتن می‌رود و به دلیل استقبال از آن مدیران شبکه مجاب شدند که در جشنواره‌های معتبر سینمایی حضور مستقیم داشته باشیم. بعد از جشنواره فجر و فیلم کوتاه، برای نخستین بار در این دوره پوشش جشنواره سینماحقیقت را در برنامه داریم و در این برنامه که هر روز عصر بخش می‌شود، ضمن نقد فیلم‌های روز جشنواره به بحث و تبادل نظر با کارشناسان مختلف و مستندسازان می‌پردازیم. تلاش ما هم این است که هر شب مهمانان متنوعی داشته باشیم و نگاه یک‌دست و یک‌سویه به سینمای مستند نداشته باشیم.

نکته روز





# کاشت 4

پرونده روز سینمای مستند ایتالیا



## ایتالیا به روایت استاد

کدوری بر سینمای مستند ایتالیا به بهانه تور گذشت مستند نیاز بزرگ این سززمین جیان فرانگوری

سامی آستان

Astansami@gmail.com

ایتالیا را می توان در موضع گیری های جمعی آن ها با ساخت یک اثر با تم مشترک دید (برای نمونه «خدا حافظ برلینگوئر ۱۹۸۴» که ادای احترامی است به اثر یکو برلینگوئر یکی از مهم ترین شخصیت های قرن بیستم ایتالیا). در کشوری که کارگردانان ترور و سیاستمداران ربوده می شوند، کلیساها دست در دست تبهکاران دارند، احزاب سیاسی به یکباره با یکدیگر وارد مبارزه مسلحانه می شوند، هجوم مهاجران اروپایی و آفریقایی مولفه های فرهنگی را تحت الشعاع قرار می دهد، نخست وزیرها و زمامداران خارق العاده، مواد مخدر و پلیدی های وابسته به آن، همه چیز برای خسور دغدغه های شخصی و موضع گیری سیاسی و انتقادی در آثار مستند ایتالیا مهیا می سازد. «Forza Italia» نخستین ساخته روپر تو فانزا که سال ها در ایتالیا نمایش آن ممنوع بود، نمونه قابل استنادی برای نشان دادن تاثیر گذاری سیاست بر سبک شخصی در آثار مستند است، یا اثر اخیر جیانفرانکو رزی، «آتش در دریا» ۲۰۱۶ نمونه ای ارزشمند پیرامون مسحت مهاجرت های غیرقانونی معضل جدید و حل ناشدنی جامعه کنونی ایتالیا.

مستندهای «مردم دره بو» (۱۹۴۷) و «مردان غبار» (۱۹۴۸) به این ژانر سینمایی روی آورده بود. دهه ۵۰ به عنوان دوران طلایی سینمای مستند ایتالیا یاد می شود که شماری از کارگردانان از جمله، دینو ریزی، لونیچی کومنجینی، کارلو لیتزانی، جولینو کونستی و... تجربیات موفقیت آمیزی در این ژانر سینمایی به جا نهادند. آثار مستند به آن ها یاد داد که چگونه ببینند و همه جوانب فرآیند خلاقیت و تولید فیلم را بیازمایند؛ در واقع آن ها چگونه استفاده کردن از زبان تصویر را مشاهده کردند و بر آن شدند تا واقعات پیرامون خود را جستجو کنند و شیوه برقراری ارتباط خود با آن را از طریق کاتال تصویر سازی دوربین ایجاد کنند. آثار مستند به آن ها کمک کرد تا چگونگی سفر کردن در فضا و زمان را ببینند و در نهایت آن ها با نقب زدن به تابه های اجتماعی و آیین های جادویی، جسارت تفحص در مضامین بحث برانگیز را در خود بقا دادند. لونیچی، دی جانی و ویتوریو دی ستا خاطر انگیز ترین مستندهای پیرامون سیل و مستندهای هنری تولید کریم، روپر تو لونیچی و کارلو لودیو کو در زمره نمونه های قابل اشاره از این برهه زمانی بودند. یکی از بدیع ترین شیوه های آثار مستند در تاریخ سینمای

سینمای مستند به واسطه کارکرد مستقیم و اشارات سراسر خود، در مسیر تاریخ معاصر ایتالیا شدیداً مطلوب و مضروب دول مختلف سیاسی قرار گرفت. در واقع جوانب تبلیغاتی تاثیر گذار سینمای مستند خیلی زود از سوی سیاستمداران و ایدئولوژیست ها کشف شد، به گونه ای که سازمان یافته ترین شکل سینمای مستند را در حد فاصل حکومت فاشیستی موسولینی و در راستای معرفی و تبارشناسی آرمان های حکومت ال دوچه می توان یافت. متناسب با پدیده های سیاسی و اجتماعی برهه های مختلف جامعه ایتالیا، سوی آثار داستانی جریان اصلی، می توان شاهد آثار مستندی بود که از سوی کارگردانان به عنوان ژانری در راستای بیان ایدئولوژی، دادخواهی، شرح یک مآو، فرهنگ و آداب مردم یک منطقه و... به کار گرفته شد. برای نمونه می توان به آنتونیونی اشاره کرد که در سال ۱۹۷۲ فیلم مستند «چین» را می سازد، در حالی که سال ها قبل با

# زندگی واقعی آدم‌ها

سینمای مستند ایتالیا تاثیر مستقیمی روی نهضت نئورالیسم ایتالیا داشت و بسیاری از بزرگان نئورالیست از قلب سینمای مستند بر خاسته بودند

صوفیا ترهالی  
Sofia850@gmail.com

هنر ایتالیا از جمله سینما، هم روی دنیای هنر و هم عامه مردم تاثیر گسترده‌ای داشت. ولی بیشتر مردم وقتی به سینمای ایتالیا فکر

## تاریخچه

سال ۱۹۰۴ نخستین مستندهای ایتالیایی تحت عنوان «نخستین مسابقه اتومبیلرانی بین سوسا و مونچیزو» و «مانور آلبینو» ساخته شده و به نمایش درآمدند. کمپانی میلانی امپروزو فیلم به عنوان مهم‌ترین کمپانی تولید فیلم‌های مستند در دوران سینمای صامت مشغول به فعالیت شد. در حالی که سال‌های پیش از روی کار آمدن دولت فاشیستی، به دوران درام‌های تاریخی و حماسی اختصاص داشت، فردی مانند لوکا کومرو به عنوان پلایه‌دار شاخ سینمای مستند در کنار روبرتو اومنیا فیلمبردار کمپانی امپروزو آثار ارزنده‌ای را با مضامین قوم‌نگاری و سوزه‌های بکر و خارق‌العاده تولید کردند. این آثار در کنار شبه‌سفرنامه‌هایی که جووانی ویتورتی به صورت آثار مستند در سفر شخصی خود به روسیه و آسیا ساخت، مهم‌ترین نمونه‌های دوران سینمای صامت ایتالیا تلقی می‌شوند. دو دهه بعد دولت موسولینی، انستیتوی لوچه را سال ۱۹۲۴ برای مستندسازی بنیان گذاشت. با ورود صدا به سینما، همه چیز تغییر کرد. آثار مستند که در دوران صامت همیشه در حاشیه قرار داشتند، به مهم‌ترین مذبوم تبلیغاتی کشورهای مختلف جهان از جمله دولت موسولینی تبدیل شدند. کارگردان خبررسانی این ژانر در بحبوحه جنگ مزید بر علت شد تا چه در ابعاد دولتی و چه در سطوح شخصی، اهمیت آموزشی بودن و اطلاع‌رسانی عمومی در این نوع آثار سینمایی

## مستند های تاریخ ساز

اسم فیلم | خدا حافظ افریقا  
کارگردان | گالتیرو جاکوینی، فرانکو پروسپری  
سال تولید | ۱۹۶۶  
موضوع | یکی از نخستین مستندهای اصلی ایتالیا که بعدها بقیه مستندسازان تاثیر زیادی از آن گرفتند. فیلم در ساره پایان یافتن دوره افریقای مستعمراتی است.



اسم فیلم | دلگکها  
کارگردان | فدریکو فلینی  
سال تولید | ۱۹۷۰  
موضوع | مستندی کمدی که در آن رد پای دغدغه فلینی در ساره دلگکها و سیرک را می‌بینیم.



اسم فیلم | زنده باد زاپاترو!  
کارگردان | سابینا گارتی  
سال تولید | ۲۰۰۵  
موضوع | کارگردان در این مستند سیاسی، از زاویه دید خودش تعارض‌های ششی را به تصویر می‌کشد که سیلویو برلوسکی در یک شوی تلویزیونی حضور یافته بود.



مورد توجه قرار بگیرد. دپارتمان‌های فنی مختلفی در انستیتوی لوچه در جهت پروپاگاندای رژیم موسولینی عمل می‌کردند و زمینه‌سازی برای بروز مستندهای علمی، تجربی و هنری ایجاد شد. در دهه ۳۰ حضور فرد نابغه‌ای مانند امیلیو چکی در مدیریت استودیوهای چینه، آثار مستند چشمگیری را موجب شد: «بازارهای امپراتوری» (۱۹۲۲) آلدو ورگانو، «یک روز در کارخانه کشتی‌سازی ماتفالکونه» (۱۹۲۲) اومبرتو باربار و «آسیزی» (۱۹۲۲) الساندرو بلاتزی. در سال‌های پایانی دولت موسولینی به دلیل نظارت بیش از حد دولت بر کار فیلمسازی، آثار مستند کوتاه اقبال بیشتری پیدا کردند. نکته قابل توجه شکل‌گیری نسل نوابغ دوران نئورالیسم از جمله روبرتو روسلینی، لوکینو ویسکونتی، جوزپه دی سانتیس در ارتباط به آثار مستندی است که تا پیش از شکل‌گیری نئورالیسم ساخته می‌شد. بعد از پایان جنگ جهانی، مستندهای آنتونینونی، به خصوص نمونه گزارش‌های واقعی از محاکمه‌های پس از جنگ و دستاوردهای سیاه به جامانده از دوران نازسیم و فاشیسم و فعالیت‌های نهضت مقاومت ایتالیا در طی جنگ مورد توجه قرار گرفتند. این امر در واقع اساس شکل‌گیری سینمای نئورالیسم در ایتالیا بود و توجه به آثار مستند که به خصوص در دهه ۵۰ به شکوفایی رسیدند.

# بزرگترین سرمایه‌ام زمان است

گفت و گو با جیان فرانکو رزی، مستندساز مشهور ایتالیایی که امسال سه فیلمش از جمله آخرین اثرش فیلم موفق «آتش در دریا» در جشنواره سینما حقیقت به نمایش در می‌آیند



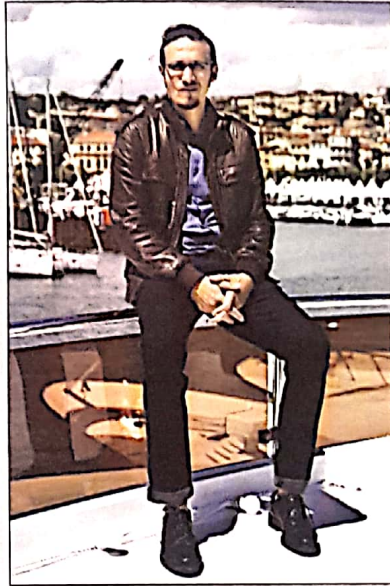
کارنامه فیلمسازی رزی خیلی شلوغ نیست. از سال ۱۹۹۳ پنج مستند بلند و دو مستند کوتاه ساخته، مشهورترین مستندش هم «آتش کنار دریا» است که امسال برنده خرس طلایی بهترین مستند از جشنواره برلین شد. پیش از این هم یک بار سال ۲۰۱۳ برای مستند «Sacro GRA» برنده جایزه شیر طلایی بهترین مستند از جشنواره ونیز شده بود. گویی کوتاه با رزی را در باره نگاهش به مستندسازی بخوانید:

جایی گفته بودید که استفاده از زبان سینما در مستندهای تان برای شما اهمیت زیادی دارد. حرف جالبی بود. دقیقاً کدام قسمت از تاریخ سینماست که سعی دارید وارد کارهای تان کنید؟  
می‌خواهم از هر چیزی که از نظر بصری امکانش در سینما وجود دارد، استفاده کنم تا به وسیله آن‌ها بتوانم روی حقیقت تاکید داشته باشم. می‌خواهم مخاطبم جوری درگیر دیدن فیلم مستند شود که انگار دارد یک فیلم سینمایی با شخصیت‌ها و خط روایی را می‌بیند. اما همه کارهای من از حقیقت نشأت می‌گیرند. هیچ چیزی را از قبل نمی‌نویسم اما از زبان سینما به عنوان یک قالب برای روایت مستند استفاده می‌کنم. هیچ وقت حتی در دوره دانشجویی‌ام متوجه این جمله نمی‌شدم که «کاری



## مهاجرتی هوشمندانه از داستانی به مستند

درباره روبرتومینروینی چهره شاخص سینمای ایتالیا که در جشنواره سینما حقیقت فیلمی از او خواهیم دید



فیلم مشهور دیگری lowtide نام دارد. داستان زندگی پسری نوجوان با مادر تنهائش. این فیلم ۹۲ دقیقه‌ای در جشنواره ونیز درخشید اما اکران عمومی مناسبی پیدا نکرد. عدم موفقیت این فیلم موجب شد تا مینروینی به سوی سینمای مستند حرکت کند و از ساز و کار سینمای حرفه‌ای و داستانی خود را بیرون بکشد. دو فیلم آخر او در حوزه مستند ساخته شده‌اند. سال ۲۰۱۳ فیلم «دل متلاطم را آرام کن» را ساخت. یک مستند دراماتیک درباره دخترکی نوجوان به نام سارا که در یک مزرعه با خانواده پر جمعیت و تعدادی بز زندگی می‌کند و زندگی‌اش با آشنایی با یک سوارکار کاهای وحشی رنگ و بوی مهیجی می‌گیرد. موفقیت بین‌المللی این فیلم او را برای دومین تجربه درام - مستند خود مشتاقتر ساخت. فیلمی با نام: other side. درباره گروهی از مردم که در ازبایی خود ساخته در مناطق دورافتاده جنگلی و مرزهای آمریکا زندگی می‌کنند و می‌خواهند که شیوه زندگی‌شان به رسمیت شناخته شود.

روبرتومینروینی مستند ساز ۲۶ ساله ایتالیایی است که در سال‌های اخیر درخشش خوبی داشته‌ای در جشنواره‌های بزرگ اروپایی داشته است. او از سال ۲۰۰۵ تا به امروز ۸ فیلم کوتاه و بلند ساخته است. او ابتدا با فیلم‌های کوتاه داستانی آغاز کرد و سپس روی به فیلم‌های بلند سینمایی آورد اما دو فیلم آخرش آثار مستندی بوده‌اند که شاید بیش از تمام آن تجربه‌های داستانی‌اش نام او را در دنیای سینما بلند آوازه ساخته‌اند. اولین فیلمی که نام او را سر زبان‌ها انداخت یک فیلم کوتاه بود با نام شایرک ها. درباره یک زوج که سال‌ها در کنار هم زندگی می‌کنند اما هنوز دنبال پهنه‌ای برای زندگی است. این فیلم تنها ۱۶ دقیقه است و با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. او سپس فیلم گذرگاه را ساخت the passage. او این فیلم را در تگزاس ساخت. داستان کرده‌م آمدن سه مرد برای مسافرتی جاده‌ای با اتومبیلی روبرو و کلاسیک از قلب این ایالت افسانه‌ای آمریکا.

No.4. Wed, 7th Dec. 2016

CINEMA VERITE Iranian International Documentary Film Festival

## منوی پیشنهادی

فیلم‌های منتخب سینمای مستند ایتالیا که در جشنواره سینما حقیقت حضور دارند

**ال سیکارو، ایتالیایی ۱۶۴**

سوزه فیلم درباره مردی با نام مستعار سیدوان خوارز سیکار بوست که برای کشتن صدها نفر به شهرت رسیده است. او متخصص شکنجه و ربودن آدم‌هاست که هم توسط کارتل‌های مواد مخدر مکزیک و هم پلیس ایتالیایی استخدام شده است.

کارگردان | جیان فرانکو روزی  
سال تولید | سال ۲۰۱۰ ایتالیا

**زبردرا**

در طول پنج سال فیلمساز ایتالیایی سراغ آدم‌های فقیر و حاشیه‌نشین رفته که در صحرای کالیفرنیا زندگی می‌کنند. تلاش‌شان هر روز فقط این است که بتوانند آن را به شب برسانند. بیشتر آن‌ها چیزی به جز مقداری لباس، یک سگ و وسیله نقلیه ندارند.

کارگردان | جیان فرانکو روزی  
سال تولید | سال ۲۰۰۹ آمریکا

**دل متلاطم را آرام کن**

سارا دختری است که در یک مزرعه کنار ۱۱ خواهر و برادرش زندگی و از بزها نگهداری می‌کند. او باید در خانه درس بخواند. سارا بعد از آشنایی با کولبی، یک گاو باور آماتور متوجه می‌شود که ارزش‌ها و باورهای درونی‌اش به چالش کشیده شده است.

کارگردان | روبرتومینروینی  
سال تولید | سال ۲۰۱۳ آمریکا، بلژیک، ایتالیا

**آتش در دریا**

فیلم در یکی از جزایر سیسیل فیلمبرداری شده است. درست در دوران اوج بحران مهاجرت به اروپا، مهاجرانی را نشان می‌دهد که از وسط دریای خطرناک مدیترانه می‌گذرند. در حالی که در پس‌زمینه‌شان زندگی عادی مردم جزیره‌نشین رامی بینیم.

کارگردان | جیان فرانکو روزی  
سال تولید | سال ۲۰۱۶ ایتالیا

**جانشین**

یک کارخانه‌دار سابق که بیل مکانیکی در کارخانه‌اش در بوستون هرز گوین تولید می‌کرد، به سفری می‌رود که در آن فرصت پیدا می‌کند به معنای دوباره وجود خودش فکر کند. بازوای گذشته‌اش روبه‌رو شود و با خاطراتش چالش کند.

کارگردان | مانیالیانی  
سال تولید | سال ۲۰۱۶ ایتالیا

**وحشی‌های سیاه و سفید غلغله‌چرند**

درباره این که چطور غذا، آشپزی و روحیه دوستانه ایتالیایی در ۹۰ سال گذشته عوض شده است، به خصوص در زمینه عادات غذایی ایتالیایی‌ها چه تغییراتی کرده‌اند. این نظر آن‌ها درباره «غذای خوب» و دستور غذاهای سنتی عوض شده؟

کارگردان | اندرا پرویدی ترویسرگ  
سال تولید | سال ۱۹۹۷ ایتالیا

کنند واقعی‌تر به نظر برسد. دوربین باید در حال حرکت باشد تا حس شبیه مستند ایجاد کند. فیلم‌های بلند، وقتی بر اساس یک داستان واقعی هستند، باید حرکت دوربین داشته باشند. من به این فیلم‌ها مستند می‌گویم.

**اما در عین حال به فیلم‌های نئورئالیسم هم شباهت‌هایی دارد.**

در سینمای نئورئالیسم مردم را از خیابان‌ها می‌آورند و وادارشان می‌کنند کاراکترهای مختلف را تفسیر کرده و به نمایش درمی‌آورند. من حتی کاراکتر هم به آن‌ها نمی‌گویم، چون از این کلمه خوشم نمی‌آید. آدم‌هایی که در فیلم من کار می‌کنند، خودشان هستند و فقط زندگی روزمره‌شان را دوباره جلوی دوربین می‌آورند. ما هیچ وقت به آن‌ها نمی‌گویم چه کاری انجام بدهند. به هر حال از همان فیلم اولم می‌خواستم مرز بین سینمای مستند و داستانی را بشکنم. مناسبانه مایکل مور، مستند را کاملا از بین برد، چون فیلم‌هایش تبدیل به پروپاگاندا و سرگرمی شدند.

**آدم‌های فیلم‌های تان را چطور پیدا می‌کنید؟**

در همین زندگی روزمره‌ای که با آن‌ها مواجه می‌شوم.

**مثلا در مورد فیلم «آتش کنار دریا» می‌دانستید که باید یک پسر بچه پیدا کنید؟**

می‌دانستم که می‌خواهم در این فرآیند زمانی، داستانی درباره بچه‌ها بسازم، چون در فیلم اولم «قابقران» با بچه‌ها کار کرده بودم. اما بعد از آن هیچ وقت دیگر فرصت پیش نیامد که دوباره با آن‌ها کار کنم. این بار می‌خواستم نمای نقلیه‌نظر یک بچه را داشته باشم. برای این که خالص‌ترین و حقیقی‌ترین نگاه است.

**قابی که برای هر نماز فیلم‌های تان می‌بندید، خیلی زیباست. اما در ثبت لحظه در زندگی حقیقی چطور کار می‌کنید که هر نماز اینقدر سینمایی به نظر برسد؟ آیا دنبال سوزن‌تان راه می‌افتید و تعقیبش می‌کنید، آنگاه که به نمای مورد نظر برسید؟**

هیچ وقت هجنان برای فیلم گرفتن از همه چیز یا درباره هر چیزی را ندانستم. بیشتر کارهای من درباره از دست دادن چیزهاست. نه به دست آوردن‌شان. ترجیح می‌دهم یک چیز کوچک منحصر به فرد و خاص را که جلوی رویم اتفاق می‌افتد، ضبط کنم تا این که نگران صدهزار چیز دیگری باشم که در اطرافم می‌گذرد و از دست‌شان می‌دهم.



## Italy in Documentary

Documentary Cinema has been always damned by different governments in Italy during contemporary history especially these years while it had many direct addresses to malfunctions and corruptions. In fact, advertisement aspects of documentary cinema was explored very soon from politicians and ideologues as you can find the most organized shape of documentary cinema in the short distance between Mussolini and for introducing ideals of El Doce government. As same as political and social phenomenon in different ages in Italy society, many documentary works can be found as manifests. For example Antonioni the famous Italian director made "China" in 1973 while he has made many feature films before like "People of Po Valley" in 1947 and "Men of Dust" in "1948. 50s are the gold age for documentary cinema in Italy while many of Italian directors started to make documentaries in this country. In fact, they observed how to be able to see reality from their camera lenses and they decided to explore truth from the windows of cameras and documentary cinema. Documentary cinema helped them to travel in space and time and finally they looked for eternity in it. One of the best shape of documentary-making in Italian Documentary Cinema is their group-documentaries; number of documentarists gather together and make documentary about one title. In a country that the directors are victims of terror and politicians are kidnapped, churches are in the hands of corrupted, political parties start to fire to each other and many other strange or rational things, documentary cinema can be a potential for both personal concerns or political, critical ones.

## Goodbye Africa (Africaaddio)



Year of Production: 1966

Director: Gultiro Jacoviti, Franco Prospery

Time Duration: 140min.

One of the first and main Italian documentaries which was so influential for the next generation of documentary-makers is a film about ending colonial time of Africa. It shooting was lasted as three years and it was fixator of a new kind of documentary named "Mondo-Film". "Mondo" means world. In this documentaries the audience can see show of international cultures also breaking many taboos.

## The Clowns



Year of Production: 1970

Director: Federico Fellini

Time Duration: 92min.

A comic documentary which was made for television. You can see track of Fellini about clowns and circus and his concerns about them in this documentary. This is also very eye-taking in his feature films too. Some parts of the film are mockumentary and it was the first documentary which combined reality things and the world of fantasy with each other.

## Vivazapatero!



Year of Production: 2005

Director: Sabina Gazanti

Time Duration: 80min.

The director portrays the contrasts and conflicts of the night that Silvio Berlusconi was present in a TV show. She mocks his media emperor in her documentary and shows censorship in her country. The documentary was influenced on Italian people and around 200 thousands Italians watched it in its first week of screening.